

مائده آسمانی

جلد سوم

ص ۱

باب اول- تویع مبارک در جواب سؤالات متعدده
آباده- جناب آقا میرزا بدیع الله خان آگاه علیه بهاء الله ملاحظه نمایند
عریضه تقدیمی آن یار عزیز روحانی مورخه نهم بهمن ماه
۱۳۱۹ بلحاظ عنایت حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه
فائز و چهار سؤالی که معروض و استدعای مرحمت جواب از
ساحت اقدس نموده بودید بقبول و اجابت مشرف و مقرون
راجع بصحیفه حمراء که در الواح منیعه مذکور فرمودند
بنویس حضرت عبدالبهاء میفرمایند اصل مقصود از صحیفه
حمراء لوح میثاق است یعنی کتاب عهد در خصوص لیله
القدس و تلاوت ادعیه و الواح مبارکه مخصوصه آن شب همه ساله
و همچنین درج آن لیله در تقویم بهائی فرمودند بنویس
جایز است ولی درج آن در تقویم بهائی در وقت حاضر
لازم و واجب نه. راجع بلوح مبارک ناقوس و شرح نزول
آن فرمودند بنویس این لوح در اسلامبول نازل شده
بر حسب خواهش آقا محمد علی اصفهانی بواسطه حضرت
عبدالبهاء و این لوح شب پنجم جمادی الاولی لیل مبعث
حضرت اعلی بخت مبارک جمال قدم مرقوم و مسطور گردید
تلاوت این لوح در همان لیله مبارکه محبوب و مقبول
راجع بسؤال اخیر هنگامیکه وسائل مشورت مفقود و شخصی

ص ۲

در انجام امر مهمی متردد استخاره نمودن با کتاب اقدس
چگونه است؟ فرمودند در این موارد آنچه لازم و واجب
توجه تام و استمداد از مصدر فیض و الهام است لاغیر و اگر
چنانچه تأجیل در تصمیم ممکن تا وسائل مشورت فراهم گردد
احسن و انسب است حسب الامر مبارک مرقوم گردید.

۱۵ شهر الجلال ۹۸ - ۲۳ اپریل ۱۹۴۱

نورالدین زین ملاحظه گردید بنده استانش شوقی

باب دوم- جواب سائل از عالم بعد

حضرت ولی امرالله جل سلطانہ در تویع مبارک مورخ ۴ -

شهر البهائ سنه ۱۰۳ میفرماید قوله الاحلی:

"راجع بسؤالی که از عالم بعد و ارتباطش باین جهان ادنی

نموده بودید فرمودند بنویس تصور کیفیت عالم دیگر از برای

انسان در این عالم ادنی بهیچوجه ممکن نه ولی روح انسان

پس از ارتقاء واقف بر حال نفوس در این عالم است فراموشی

و انفصال متصور نه ولی کیفیت آن مجهول اتصال ارواح بیکدیگر نیز محقق " انتهى .

باب سوم- محل تولد حضرت عبدالبهائ جل ثنائہ

در متحد المال ۱۳۷ محفل روحانی بهائیان ایران مورخه

۱۶/۴/۹۴ - ۳۱۶/۳/۱۱ مذکور است:

ص ۳

محافل مقدسه روحانیه شید الله ارکانهم در لوح منبع مبارکی

که اخیراً از ساحت مقدس شرف وصول مبذول داشته راجع

بمحل تولد حضرت عبدالبهائ ارواحنا لرمسه الاطهر فداء

در جواب سؤال این محفل بیان مقدس ذیل نازل قوله الاحلی:

"محل ولادت مبارک طهرانست نه تا کر نور" انتهى

باب چهارم- تویع مبارک در جواب سؤالات اینعبد ذلیل نگارنده سطور:

همدان- جناب آقا میرزا اشراق خاوری علیه بهاء الله ملاحظه نمایند.

عریضه تقدیمی آن یار روحانی مورخه یوم المسائل من

شهر العزه سنه ۹۰ بساحت امنع محبوب مهربان حضرت

ولی امرالله ارواحنا لعنایته الفداء واصل و مشروحات

معروضه کاملاً در محضر انور معلوم و واضح گردید فرمودند

الحمد لله بکمال خلوص بر خدمت امر الله قائمید و در نهایت

روحانیت و صفا بادای وظیفه وجدانی مشغول و مداوم در

درگاه جمال احدیت مقبولید و بطراز جود و احسان ربّ مّان

مزین و آراسته هنیئاً لکم من هذه المواهب و الالطاف

راجع بوضعیت زندگانی خویش در همدان و میل بانقتال و اقامت

در نقطه دیگر فرمودند بنویس اگر ممکن مرکز اقامت را
در طهران قرار دهند و در لجنه خدمات امریه با یاران الهی

ص ۴

مشارکت نمایند. راجع بدو علامت بلوغ عالم که در کتاب
مذکور معروض داشته بودید فرمودند مراد مبارک در لوح سلمان نازل قوله الاحلی:
"از جمله علامت بلوغ دنیا آنست که نفسی تحمّل امر
سلطنت ننماید سلطنت بماند و احدی اقبال نکند که وحده
تحمّل آن نماید". در خصوص بیان مبارک در سوره صلوٰه
قد اظهر مشرق الظهور آیا لفظ مشرق بصیغه اسم مکان
یا صیغه اسم فاعل است؟ فرمودند کلمه مشرق بصیغه اسم مکان باید قرائت شود.
و اینکه معروض داشته بودید در صلوٰه حین زوال در نسخه‌ها
در بیان مبارک فرق و تفاوت است فرمودند اصل آیه که بخط مرحوم زین المقرّین از اینقرار:
"اشهد فی هذا الحین بعجزی وقوّتک وضعفی واقتدارک وفقری وغنائک"
راجع بآیه مبارکه قد ظهر سرّ التنکیس لرمز الرّیس و الف قائمه
سؤال نموده بودید فرمودند بنویس آیه کتاب اقدس
اشاره بکلمات شیخ احمد احسائی است در مکتوبی که در ذکر
قائم موعود مرقوم نموده مقصود از الف قائمه ظهور قائم آل محمّد
یعنی حضرت اعلی است و او اوّل که قبل از الف است
و عدد آن شش است اشاره بادوار سابقه و مظاهر قبل است

ص ۵

و او ثانی که حرف ثالث کلمه واو است مقصود ظهور اقدس
کلی جمال ابهی است که بعد از الف ظاهر گشته و اما بیان
مبارک که میفرماید حضرت نون و نون دیگر فرمودند نون اوّل
ناصرالدینشاه و نون ثانی نایب السلطنه کامران میرزا حاکم طهران.
همچنین فرمودند در عتبه مقدسه جمال ابهی دعا و نیاز
میشود تا رمد عارضه رفع گردد و قوت باصره مانند روشنائی
بصیرت پر نور و ضیاء شود تا بانجام تألیف کتاب مؤید
و موفق شوند مطمئن باشند و برای فوز بتشرّف و زیارت
فرمودند بنویس انشاء الله موانع داخله و خارجه بکلی
مرتفع گردد حسب الامر مبارک مرقوم گردید.

نورالدین زین ۶ شهرالقدره ۹۰ - ۹ نوامبر ۱۹۳۳
ملاحظه گردید بنده آستانش شوقی

باب پنجم - توفیق مبارک در جواب سؤالات متعدده که در
توفیق مورخ ۱۵ شهرالعلم سنه ۸۹ و لوح دیگر نازل شده از این قرار:
سؤالات مذکوره کلّ از نظر اقدس گذشت فرمودند
مقصد از اجرای احکام احکام منصوصه کتاب اقدس است
آنچه منصوص نه راجع به بیت عدل اعظم است عجالاً آنچه

ص ۶

را محافل روحانیّه راجع بامور غیر منصوصه قرار دهند مقبول
و متبوع است بقدر امکان امنای محافل باید حریت افراد را
ملاحظه نمایند و احکام و قوانین جزئیّه وضع ننمایند و مقید
بقیود کثیره نگردند ذیقعه ۱۳۴۷

راجع بباب دوم پولس رسول در ذکر مرد شریکه برهیکل خدا
می نشیند سؤال نموده بودید فرمودند مقصود ازل است

۴ شهرالقدره ۹۲ - ۷ نوامبر ۱۹۳۵

راجع بجمع آوری اشیای متبرکه که در نزد قدمای یاران الهی
موجود است فرمودند بنویس تکلیف جائز نه احباً را تشویق
نمائید تأسیس حظیره القدس در هر بلد و قریه ای لازم و واجب
و حجره ای از حجرات آن باید تخصیص جهت محفظه آثار داده
شود و آنچه یاران بطیب خاطر و صرافت طبع بواسطه محفل
تقدیم محفظه امر نمایند باید باسم آنان محفوظ ماند
و آنچه در خصوص موقوفات پارسیان که قسمتی از آنها در تولیت
پارسیان بهائی است معروض حضور اقدس داشته بودید که
خوب است صرف مدارس و معارف بهائی شود فرمودند
بنویس وقتش خواهد رسید در این ایام چنین اقدامی جایز نه
۳۰ اکتبر ۱۹۳۲ - ۱۵ شهرالعلم ۸۹

(بیانات مبارکه فوق در سه فقره الواح در جواب سؤالات چند
بافتخار آقای اسفندیار مجذوب نازل شده است)

ص ۷

باب ششم- در باره اینکه فقر و غنا بارادة الله است
میفرمایند: از حیفا بطهران جناب حاجی محمد سمنانی خوروش زید عزّه العالی.

هو الله تعالی

حبیب محترم عریضه مشروح پرآه و انین که شرح حال آن یار
دیرین بود بمطالعه همایون غضن دوحه فیض رب العالمین
فدیت جماله المبین رسید و صدر ممرّد اصفی بینهایت متأثر
و غمگین گردید فرمودند قل کلّ من عند الله
هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی چنانچه در آئینه تصوّر ماست
در عالم وجود از برای انسان بصیر عرش اعلائی بهتر از مقام
عبودیت عظمی نه و سدره منتهائی اقوم و ارفع از رقیّت صرفه
درگه کبریا نیست ما کلّ بندگان آن آستانیم و پاسبان آن
درگاه فضل و احسان جز این هر فکری اوهام است و هر
تصویری اضغاث احلام از جمله معنی عبودیت محضه آنکه
نزد آن اراده مطلقه جز تسلیم و رضا نخواهیم و غیر توکل و
اعتماد به آن مشیت محیطه نجوئیم چه بسعی و اهتمام
قوانین کلیّه عوالم غیب و شهود تغییر نیابد و آن مقدرات
عظیمه و میزان قضای لایتناهی هستی و وجود تبدیل نجوید
پس از برای نوع انسان سعی و تدبّر از این دو لازم که اقوال و

ص ۸

اعمال خویش را با قانون قدرت کامله مطابقه نماید و کمال
تدبّر آنکه شخص بصیر حرکات و سکانات خود را بآن مصدر
مطلق و ناموس اعظم معاینه فرماید (نه آنکه غیر آنرا بخواهد)
تا افکار بر محور اعتدال دوران کند و آمال مایه کدورت و ملال
نگردد و قلب مبارک حضرت انسان و سرور ذاتی و غنای فطری
محجوب و مهجور نشود بیگمان یکی از نتایج مهمه شرایع
الهیّه اینست که انسان در آنچه دست قدرت و نظم الهی
باو عنایت فرموده راضی باشد و آنرا بموقع و اعتدال بکار برد
و در آن خوش ماند و یقین نماید که هرگاه از آن مقام مقدّر
تجاوز خواهد و رو بعدم اعتماد و توکل نهد بجای سرور
کدورت یابد و بعکس اطمینان و سکون اضطرار و فتور بیند بناء
علیهذا مظاهر الهیّه امر بتوکل و اعتماد باراده غالبه فرمودند

و عقلای امم حکم بگفتار و رفتار معتدلانه نمودند و صیانت و سرور عالم انسانی را منوط برعایت احکام متقنه گفتند چه اگر بغیر متابعت قوانین خداوندان دانش و داد عمل شود غلبه افکار غیر معتدلانه مزید اضطرار و اضطراب گردد و دل و جان را از سکون و قرار باز دارد و از نشاط و انبساط روحی مانع شود اینست که در عالم خلقت کمال مطلق یافت نشود و هیچ مخلوقی از ملال خالی نباشد هیچ تنی از اندوه و کلال فارغ نه هر که بامش بیش برفش بیشتر درویش را غم

ص ۹

نانی جهانیان را غم جهانی یکی مبتلای مشاکی سیاسی است یکی دچار زحمات تجاری و یا زراعی بعضی غریق مصائب قومی و وطنی و جمعی اسیر انقلابات مذهبی و هر یک را گمان چنان که اگر در آن طریق مخصوص سیر و سلوک نمینمود بآن گونه بلایا مبتلا نمیشد بلی نوع بشر اگر عموماً مطابق قانون و ناموس جلیل اکبر روش و سلوک مینمودند بی شبهه هر زحمتی برحمت مبدل میشد و هر نعمتی به نعمت تبدیل میگشت ولی من دون آن البته وقوع صدمات و مشکلات برای هر طبقه یقین است و حدوث ناملازمات و مصیبات حتمی. نهایت کسانیکه در سبیل الهی تحمّل بلایا کنند و در اجرای تعالیم مقدسه قبول رزایا نمایند این تحمّلات آنان خدمتی بعالم انسانی است و سبب ترویج عزّت الهی و اما ابتلای سایرین فاقد اینمقام جلیل و فیض عظیم پس خوشا بحال آن وجود با سجد که در خدمت عالم انسان صدمات شدیده دیدید و بلایای عدیده تحمّل فرمودید مطمئن بفیض عالم بالا باشید و دل بروابط رحمانیه و عنایات صمدانیه بندید و تغییرات آفرینش را مایه وجد و نشاط سازید و وسیله طرب و انبساط کنید از فیوضات حضرت احدیه استدعا میشود که هم عقیدت کامله عنایت شود و هم وسعت و برکت آسمانی مبدول گردد تا با سرور جان پرور زندگی از سر گیرند و کام جان

ص ۱۰

را شیرین تر از شهد و شکر نمایند و با ایمان و عمل صالح
و صبر کامل تشبث نمایند این بود خلاصه فرمایشات حضرت
ولی امرالله فدیت بیانه الاعلی که بامر مبارک تحریر شد زرقانی.
بنده ممتحن صبور و شکور درگاه ربّ غیور را سرور و حبور موفور خواهم
از حوادث کون مایوس و نالان مگردید در آستان مقدّس فرج و
گشایش از برای آن صابر در موارد بلا استدعا نمایم تا بفراغت
بال بترویج امر غنی متعال پردازید و آنچه مقصود و مطلوب
مقرّین است باحسنها و اکملها موفق و نائل گردید
بنده آستانش شوقی

باب هفتم- دو تویع مبارک بافتخار جمشید رستم جمشیدی در جواب سؤالات:
حضرت ولی امرالله در لوح جمشید رستم جمشیدی مورّخه
۸ شهر القدره سنه ۹۲ - ۱۱ نوامبر ۱۹۳۵ میفرماید قوله العزیز:
"در خصوص حاضر شدن بهائیان در مجامع روضه خوانی و
جشنهای خصوصی زردشتیان و اسلام سؤال نموده بودید که
چگونه است فرمودند بنویس: "عدم حضور انب و اولی
ولی نوعی سلوک نمایند که اسباب تکدر و تعرّض آنان نگردد" (۱).

(۱) روضه خوانی - مجالس تذکر مصائب و گریه و زاری بر حضرت

ص ۱۱

سؤال ثانی در خصوص زردشتیان بهائی که سابق بر این
در منازلشان کهنبار (۲) بوده و موقوفات دارد کما فی السابق

سیّد الشّهدا علیه السّلام را که شیعیان اثنی عشری منعقد
میسازند مجالس روضه خوانی میگویند قبل از طلوع سلطنت
صفویه شیعیان ایران گمنام و پنهان میزیستند و در خلوت
جلساتی تشکیل میدادند برای ذکر مصائب حضرت سیّد
الشّهداء و آنرا حلقه ماتم مینامیدند و یکی از علمای معروف
(ملا حسین کاشفی) کتابی در وقایع کربلا تألیف کرده بود و
نام آنرا روضه الشّهداء گذاشته بود شیعیان در حلقات
ماتم آنرا میخواندند متدرجاً بر اثر تسلط صفویه و رسمیت
یافتن مذهب شیعه مجالس عزاداری علنا در همه جا

منعقد میشد و گروهی شغل خود را این قرار دادند که در مجالس عزاداری کتاب روضه الشهداء را بصداى بلند میخواندند و در مقابل مبلغی میگرفتند بتدریج این گروه بروضة الشهداء خوان معروف شدند یعنی کسانی که کتاب روضه الشهداء میخواندند کم کم بواسطه تخفیف آنها را روضه خوان گفتند که هنوز هم بهمین اسم معروفند ولی اغلب بلکه همه از وجه تسمیه خود بروضه خوان مطلع نیستند. (۲) کهنبار- در آئین مزدیسنی و روش پارسیان در مدت سال شش جشن در فصول مختلفه گرفته میشود که هر یک را کهنبار یا کاهنبار گویند در فصل ۲۵ بندهش مسطور است اهورمزدا میگوید که خلقت عالم در ۳۶۵ روز بتوسط من انجام گرفت و شش جشن کهنبار در هر سال قرار داده شده است نخستین کهنبار سال در اردیبهشت ماه روز ۱۵ که روز دی به مهر است واقع میشود و در این روز آسمان خلق شد

ص ۱۲

جاری باشد یا نه فرمودند: ترک عادات و رسومات غیر بهائی از فرائض بهائیان آن سامان است ولی باید رعایت حقوق واقف را بنمایند و در جمیع شئون براستی و امانت رفتار نمایند". راجع بسؤال ثالث در خصوص دفن میت فرمودند پای میت باید بجانب روضه مبارکه باشد اگر در گذشته اشتباه شده لا بأس اما در تلاوت تکبیرات در صلوة میت که بلند باشد یا آهسته فرمودند باید باعتدال تلاوت گردد.

و نیز در توقیع جمشید رستم جمشیدی مورخ ۱۰ شهر الجمال ۹۷ - ۷ می ۱۹۴۰ نازل شده:

"راجع بمراسم ختم (۳) و غیره برای والدین نفوسی از یاران که زردشتی و اسلام بوده اند و وفات نموده اند فرمودند بنویس

دومین کهنبار در روز پانزدهم تیر ماه است که در این روز آب آفریده شد. سومین کهنبار در سی ام شهریور است که زمین در این روز آفریده شد. چهارمین کهنبار روز سی ام مهر ماه است که گیاه را یزدان در این روز آفرید پنجمین کهنبار

در روز بیستم دیماه است که جانوران آفریده شدند. ششمین کهنبار در آخرین روز کیسه سال است که یزدان در این روز انسان را آفرید طول هر یک از جشنهای مزبور پنج روز است و ایامی که ذکر شد آخرین و مهمتترین روزهای هر جشن است. ملخص از کتاب (یشتها) ص ۵۹۴ - ۵۹۵ برای تفصیل بکتاب مفصله مراجعه شود.) (۳) محافل تذکر که برای متصاعدین الی الله گرفته میشود در اصطلاح امروزی ایران مجلس ختم نامیده میشود.

ص ۱۳

اجرای مراسم ادیان عتیقه جائز نه انعقاد مجالس ختم و تذکر بر حسب آداب و مراسم بهائی جهت متصاعدین غیر بهائی احبّ و اولی "انتهی".

باب هشتم - توفیق باعزاز سرخاب باس آفتابی در جواب سؤالات. حضرت ولیّ امرالله غصن الله الممتاز جلّ سلطانه در لوح سرخاب باس آفتابی "رئیس محفل روحانی بمبئی" میفرمایند:

راجع به سؤال ثانی فرمودند مقصود از حروف مذکور حرف اول و حرف ثانی اسم مبارک جمال قدم است یعنی ب و ه و مقصود مبارک اینست که آنچه در هویت این سه حرف مکنون و مخزون است ظاهر نگشته و عالم کون هنوز استعداد و قابلیت ظهور و بروز تجلیات الهیه را بتمامها نیافته بتدریج آنچه در هویت حرف ثالث که متمم اسم مبارک است مستور و مندمج است بر عالمیان ظاهر و مکشوف گردد فرمودند و در مقامی دیگر مقصد وصف بلایای وارده بر جمال مبارک است که از حدّ و احصاء خارج و شمه‌ای از آن بر اهل عالم معلوم و مکشوف." راجع بتلاوت زیارتنامه فرمودند بنویس منحصر بحضرت اعلی و جمال مبارک است اجتماع یاران در لیلۀ صعود هر یک لازم و واجب مگر لیلۀ صعود حضرت ورقه علیا و اشتغال بامور

ص ۱۴

یوم شهادت حضرت اعلی و صعود جمال مبارک از محرماتست لاغیر. همچنین فرمودند تاریخ تفصیل صعود غصن اطهر در تاریخ و تألیفات نبیل زرنندی مذکور و مثبت من بعد منتشر خواهد شد. ..."

حسب الامر مرقوم گردید نورالدین زین ۲۷ آگست ۱۹۳۳ انتھی

باب نهم- توقیع مبارک دربارهٔ صلاة

حضرت ولیّ امرالله جلّ سلطانه در لوح منیع مورّخ ۱۶ شهر الشرف سنهٔ یکصد و دوم تاریخ بدیع میفرمایند قوله الاحلی: "در خصوص نماز فرمودند بنویس "نماز تکلیف شرعی یاران است و از ارکان شریعت الله محسوب و تأثیرش از ادعیه و مناجاتهای نازله شدیدتر و چون فرض و واجبست مؤمنین و مؤمنات را در هر یومی از ایام بذکر حق متذکر و مشغول گرداند و از غفلت و فراموشی محفوظ و مصون نماید." انتھی (لوح دکتر لطف الله حکیم)

باب دهم- در توقیع مبارک دربارهٔ کیفیت صدور توقیعات مبارکهٔ حضرت ولیّ امرالله جلّ سلطانه در توقیع منیع مورّخ ۱۶ شهر الشرف سنهٔ ۱۰۲ تاریخ بدیع میفرمایند قوله الاحلی: "اینکه سؤال از توقیعات مبارکه نموده بودید که تحریرش بچه صورت و وضع است مطلب را میفرمایند و منشی مینگارد

ص ۱۵

و یا آنکه دیکته میفرمایند؟ فرمودند بنویس "مراجعه بمکاتیب این عبد نمایند آنچه علامت گذاشته شده نصّ عبارت این عبد است که بر حسب دستور کتبی این عبد کاتب مرقوم نموده اجوبهٔ مکاتیب احبّاً پس از ملاحظه و تطبیق من دون استثناء ارسال میگردد" انتھی و در توقیع جناب فاضل یزدی از قلم مبارک صادر شده قوله الاحلی: "یار معنوی آنچه در درجهٔ اولی از اهمّیت است بخطّ یا امضای خویش ارسال نماید و اما امور ثانویه را دستور جواب دهد و غیر مستقیم باحباء الله ابلاغ نماید..." انتھی

باب یازدهم- دربارهٔ اکسیر اعظم

حضرت ولیّ امرالله جلّ سلطانه در توقیع مبارک مورّخ ۵ شهر السلطان سنهٔ ۱۰۲ میفرمایند قوله الاحلی: "راجع باکسیر اعظم و کشف آن فرمودند بنویس "مقصود را ارباب علوم حاضره کشف نموده اند آنچه تا بحال اکتشاف

نموده ارتباطی باکسیر اعظم نداشته و ندارد" انتهی
(لوح جناب قائم مقامی)

ص ۱۶

آنچه از الواح شامل اجوبه سؤالات مختلفه که در دسترس این عبد بینوا بود در ضمن سه فصل چنانچه مشاهده فرمودید با نظم و ترتیب مخصوص تنظیم گردید و در این مقام قسمت اول از کتاب مائده آسمانی را بپایان رسانیده بقسمت ثانی شروع مینماید و آنچه از الواح شامل جواب مسئلهها و غیرها که بدست بیاید بخواست خداوند در مجلد ثانی مائده آسمانی تنظیم و مندرج خواهد گردید.

در تصحیح و مقابله الواح مندرجه در این دفتر سعی بلیغ مبذول گردید و تا آنجا که باصره ضعیف این عبد اجازه میداد و توانائی داشت هم قبل از شروع بتکثیر و هم پس از آن کراراً اوراق استنسیل و نمونه اول آن مورد تصحیح قرار گرفت و چون هیچکس برای معاونت این عبد از هیچ جهت موجود نبود لذا امید است احبای الهی اگر در ضمن مندرجات باشتباهات و اغلاط املائی که در ضمن تکثیر رخ داده و ضعف بصر بنده از مشاهده آن مانع بوده عذر این عبد را قبول فرمایند و خود تصحیح کنند.

مطلب دیگر آنکه چون گاهی بین نسخه‌های خطیه الواح در برخی کلمات بواسطه سهل انگاری کاتب اختلاف موجود است مندرجات این کتاب که از روی نسخه موجوده نقل شده اگر با نسخه قارئین گرام در برخی موقع و مواضع فرق

ص ۱۷

و اختلاف داشت مسئولیتی متوجه این عبد نخواهد بود زیرا نسخه اصلیه کلیه الواح در دست نیست تا با آن تطبیق شود. والبهاء علی اهل البهاء. طهران ۱۰۴ - ۱۳۲۶
اشراق خاوری

ص ۱۸

در این ضمیمه چند لوح که از قلم مبارک حضرت ولی امرالله
جلّ سلطانه دربارهٔ مواضع مختلفه صادر گردیده مندرج میشود:
قوله الاحلی:

"و چون تکلیف شدیدم آن است که افکار را حصر نموده
بتمام قوی و بمشورت احبّاء متوجّهاً الیه و معتمداً علیه
تمهیدات مهمّه لازمه از برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل
حلال مشکلات و واضح احکام و شرائع غیر منصوصه و مبین امور
مبهمه است حتّی المقدور فراهم آرم لذا از یاران باوفای
جانفشان حضرت عبدالبهاء در تمام نقاط امریه در ایران
بواسطهٔ اعضای محترمهٔ این انجمن مرکزی استدعا دارم که
عجالتاً تا این مرجع تشکیل و تأسیس نگشته امور احبّاء منفرداً
و مجتمعاً در هر بلده‌ای از بلدان راجع بمحفل روحانی
خصوصی آن شهر گردد و اعضای این هیئت بحبل مشورت در
نهایت توجّه و تجرّد از نفس و هوی تمسّک نمایند و آنچه را که
ارادهٔ مبارک در آن دانند مجری دارند و اگر امر مهمّی
در بلده‌ای از بلدان بمیان آید اعضای انجمن آن شهر
بالاتفاق او باکثرت آراء صلاح دانسته بمحفل روحانی
مرکزی اقلیم که در طهران است مراجعه نمایند و همچنین در
اموری که محافل خصوصی بلدان در آن مختلف الرأی کردند

ص ۱۹

آنرا هم محوّل بمحفل مرکزی طهران نمایند و هر چه را که این
مرکز اجرا نتواند و صلاح داند بارض مقصود باینعبد نالایق
اطلاع دهد تا در نهایت خلوص و توجّه هدایت مبارک
و ارادهٔ مقدّسش را طالب شوم و آنچه را که مروج مصالح
امریه و جالب تأییدات الهیه است معلوم و مجری گردد
جمال قدم جلّ اسمہ الاعظم میفرمایند خیمهٔ نظم عالم
بدو ستون قائم و برپا مشورت و شفقت و حضرت عبدالبهاء
در لوحی از الواح باین بیان ناطق از مشورت مقصود
آن است که آراء نفوس متعدّده البتّه بهتر از رأی واحد
است نظیر قوّت نفوس کثیره البتّه اعظم از قوّت شخص واحد
است لهذا شور مقبول درگاه کبریاء و مأمور به آن از امور

عادیه شخصیّه گرفته تا امور کلیّه عمومیّه مثلاً شخصی را کاری در پیش البتّه اگر با بعضی اخوان مشورت کند تحرّی و کشف آنچه موافق است گردد و حقیقت حال واضح و آشکار شود و همچنین مافوق آن اگر اهل قریه ای بجهت امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند البتّه طریق صواب نمودار شود و همچنین هر صنف از اصناف مثلاً اهل صنعت در امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند و تجّار در مسائل تجاریّه مشورت کنند خلاصه شور مقبول و محبوب در هر خصوص و اموری آخریانه الاحلی لذا نظام عالم بهائی و ترتیب

ص ۲۰

و تمشیت امور امریّه من دون تأخیر و در نهایت اتقان متوقّف بر آن است که محافل روحانی بقدر امکان در تمام امور امریّه راجع با افراد و جمع احبّاً مذاکره و مشاوره نمایند و ترتیب و قرار دهند و مهام امور را که متعلّق باقلیم ایران است بمحفل مرکزی آن اقلیم مراجعه نمایند و آنچه را که آن مرکز صلاح داند و مشورت با ارض مقدّس را لازم و واجب شمرد فوراً مخابره نماید و چون بیت العدل عمومی تأسیس شود آنچه قرار دهد من عند الله است و تحت صیانت و عصمت و حراست جمال ابهی امور باین نحو مرتباً سریعاً مکماًلماً مجری گردد وحدت بهائی محفوظ ماند و ارتباط محافل روحانی بیکدیگر محکمتر و شدیدتر شود و آنچه از محافل و کمیته های متنوّعه از برای حفظ و ترویج امر الله در بین احبّاً در شهری تأسیس گردد کلّ باید در ظلّ محفل روحانی آن بلد باشد اطاعت آنرا نماید و بر حسب دستور العمل محفل روحانی حرکت نماید مرجع و مخاطب محفل روحانی باشد نه سائر محافل خصوصی احبّاً ولی آنچه الزم و اهمّ و اعظم است تبلیغ امر الله است و تولید آن روح و ذوق و شوق ترویج کلمه الله در قلوب افراد احبّاً بقدر امکان نظر را باید از ترتیب و تنظیم امور داخله احبّاً باتّساع دائره امر و انتشار نفعات الله در بین سائرین متوجّه نمود دقائق و جزئیات امور را تا حدّی

ترک نمود و در مهام امور که ارتفاع صیت امر و حفظ حصن حصین شریعت الله است و تحسین اخلاق افراد بشر است کوشید تا لطمه‌ای بر امر الله وارد نگردد و بلیات و شهادت حضرت ربّ اعلی و اسیری و زندانی جمال قدم و بلیات متتابعه بر حضرت عبدالبهاء و دم اطهر شهداء هدر نرود و وعده‌های صریحه منزله از قلم میثاق تحقّق یابد قوله الاحلی: "این موهبت عظمی و این منقبت کبری حال اساسش بید قدرت الهیه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد یافت و بتدریج آنچه در هویت دور مقدّس است ظاهر و آشکار گردد الآن بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بیّنات در آخر این قرن و عصر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه موهبت آسمانی" ایدنا الله اجمعین علی بئ تعالیمه فی کلّ الاقطار و حفظ حصن امره من شرّ الاعداء و التوجّه الیه و الاستعانة منه فی کلّ الاحوال".

(استخراج از لوح مبارک ۱۵ شباط ۱۹۳۲)

و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

"روحی لمحبّتکم الفداء فی الحقیقه دوستان الهی و اماء رحمانی در این ایام ظلمانی هر چند آتش حرمان مشتعل و پریشانی و انقلابات در تمام نقاط و جهات بر عالم امکان

مستولی ولی چنان وفائی ظاهر نموده و همّت و اقدامی فرموده که این سوختگان آتش فراقش تسلیت جستند و این قلوب محترقه اطمینان و تسکین یافته‌اند. در این ایام عالم وجود در مهلکه عظیم افتاده و از اعماق قلوب ندای نجات و استخلاص از شرّ این مخاطر مرتفع قلوب پریشان است و نفوس تشنه ماء معین صلح و سلام و ارواح از نتایج وخیمه و مضرات مهلکه ضغینه و بغضا و ظلم و جفا و حقد و حسد مشمئز و در عذاب است و عموم از امتداد جنگ و جدال و حرب و قتال خسته و نالان. از حریت مفرطه و تضعیف و تذلیل قوه دیانت هرج و مرج راه یافته و بر مکاید سیاسیّه و منازعات

اقتصادیه و مشکلات جنسیه افزوده جز قوه امر الله هیچ امری و هیچ قوه ای این مفسد قویه را اصلاح ننماید و جز تعالیم سماویه که در این ظهور بدیع کاملاً از سماء مشیت الهی نازل گشته این علل و امراض مزمنه را شفا ندهد پس احبای الهی که منادیان این امرند و ناشران این تعالیم باید الیوم باعمال و کردار و رفتاری در بین عموم ظاهر شوند که نفس اعمال غافلانه را تبلیغ نماید و تشنگان طالبین نجات را هدایت کند چه بسا از لسان اطهر میثاق شنیده شد که اگر فردی از افراد احباً باجرای یک تعالیم از تعالیم الهیه در نهایت توجه و تجرد و همت و استقامت قیام نماید

ص ۲۳

و در تمام شئون حیات خویش این یک تعالیم را منظور نظر داشته بتمامها اجرا نماید عالم عالمی دیگر شود و ساحت غیرا جنت ابهی گردد ملاحظه نمائید که اگر احبای الهی کلاً فرداً و مجتمعاً باجرای وصایا و نصایح قلم اعلی قیام نمایند چه خواهد شد امید این عبد آستان و دعای این بنده ناتوان آن است که آن یاران که چنین الطافی در حقشان در گذشته ایام مبذول گشته و چنین نفوس جلیله ای از میانشان قیام نموده تبلیغ امر الله نمودند و بمشهد فدا شتافتند الیوم بهمان روح الهی مبعوث شوند و بجان و دل بکوشند تا وعده های کامله و بشارات قلم اعلی یک یک تحقق یابد و این عالم ناسوت از شر اختلاف و تعصبات رهائی یافته در ظلّ ظلیل شریعت الهی وارد گردد و براحت و آسایش حقیقی فائز شود.

بنده آستانش شوقی "

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

"یاران و یاوران حضرت عبدالبهاء و برادران و خواهران روحانی این عبد آستان را همواره در جوار این بقاع علیا جلوه ای جدید و استقامتی شدید و شور و ولهی بدیع در ترویج و خدمت امر الله از عتبه مقدسه مستدعی و سائلم و بشارات متواصله را از آن صفحات مبارکه در نامه های

آن عزیزان منتظر و مشتاقم از آن اماکن مقدسه انوار فجر
 ظهور الهی دمید و اولین ندای امرالله مرتفع گشت آن بلده
 طیبه مصدر و منبع فیوضات الهیه شد و ید قدرت اساس
 این بنیان رفیع را اول در آن مدینه جلیله بنهاد از آن شطر
 مبارک بشارت یوم جدید بگوش قریب و بعید واصل گردید و
 علائم ظهور امررحمان از آن سامان واضح و عیان شد
 حضرت بهاءالله روحی لمضجعه الانور فداء کراراً و مراراً
 شفاها و در الواح محکمه اش تقدیر و توصیف آن یاران را نموده
 و فتوحات روحانیه و ترقیات کلیه بآن عزیزان وعده فرموده
 و مولای عزیز مهربان حضرت عبدالبهاء نظر شفقت و عنایتش
 را از آنجمع باز نداشته بتوجهات مخصوصه و تلطفات
 قلبیه و تشویقات متتابعه محافظه و تربیت فرمود حال وقت
 آن است که بهمت منتسبین شجره مبارکه الهیه حضرات
 افنان دوحه بقا و قدماء احباً و جوانان مستعد پراهمتمام
 آن صفحات و سایر یاران و اماء رحمن آتش محبت الله
 شعله زند و قوه امر حضرت بهاءالله ظهور و بروزی عجیب
 نماید آن تخمهای افشاننده از اراضی قلوب انبات نماید
 و آن دماء مسفوکه در سبیل امر الهی نتیجه و ثمری بخشد
 شبهه ای نیست که در این ایام که آشوب و انقلاب و هرج و
 مرج آن اقلیم را فرا گرفته احبای الهی باید در تبلیغ

امرالله و انعقاد محافل و مجالس و صحبت و مذاکره با
 مبتدئین نهایت حکمت و بردباری و هوشیاری و ملاحظه را
 مجری دارند پرده دری بهیچوجه ننمایند و از حد اعتدال
 خارج نگردند امور روحانیه امریه را کل بمحفل روحانی
 خویش رجوع نمایند و نهایت ثقه و اعتماد را باعضای محفل
 شور داشته باشند و اعضای محفل بتمام قوی و بنهایت تجرد
 و صفا و خلوص و همت بتمشیت امور پردازند بمصالح و امیال
 شخصی خود ناظر نباشند در محافظه امرالله و توقیر و تجلیل

آن در انظار هر دم سعی بلیغ منظور دارند این هیجان
و اضطراب هیچ شبهه نبوده بامن و امان و راحت و اطمینان
و ارتفاع امر الهی و تعزیز و نصرت احبّا و تذلیل و پریشانی
اعدا مبدّل خواهد گشت باید کلّ در اعتماد و اتّکال چون
جبل راسخ باشیم و در اظهار عقاید امریّه خویش هوشیار
و بیدار این غیوم مظلّمه بمرور ایّام متلاشی گردد و حکمت‌های
بالغّه احدیّه من بعد مکشوف و واضح شود خطّه ایران
علی الخصوص مدینه شیراز سراپا روشن و منور گردد روح بعالم
امکان دمد مطاف عالمیان گردد و نائره عشق را برافروخته
در قطب آفاق ندای یا بهاء الابهی را بسمع جهان و جهانیان
رساند حال وقت استقامت است و عمل بموجب نصایح
رَبّانیّه تشویق و تحریض بر تبلیغ است و استعانه و استمداد

ص ۲۶

از حیّ قدیر ازاله کدورت و اغبرار است و تشدید روابط
الفت و اتّحاد حقیقی در بین احبّا این است آرزو و تمنا
و دعای این عبد از عتبه مقدّسه. شبهه‌ای نیست که آن
یاران این عبد ناتوان را بهترین مساعد و ظهیر در این امر مبرور خواهند بود.
بنده آستانش شوقی"

و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

"متوجّهین بمنظر اعلی و مقتبسین انوار مشرقه جمال ابهی را
در این بقاع علیا اکتشافاتی جدیده و تجلیاتی بدیعه
و اقداماتی کلّیه در ترویج و تعمیم تعالیم حضرت بهاء الله
خواهم و نشئه جدیدی و ظهور و بروز کاملی در میدان
امر الله طلبم عالم امکان مأیوس و ناتوانست باید در این
عصر مجید بهائیان عالم علی الخصوص یاران شرق بروج
ایمان نفحه امید در جسد امکان دمند و بقوه روح القدس
این ضعف و ناتوانی را بصحّت و توانائی تبدیل نمایند
دول و ملل عالم بجدال و خونریزی و قتال مشهور و مألوف و
معتاد گشته بساط صلح و آشتی دائمی حقیقی را بعید المرام
بلکه در این عصر و قرن ممتنع و مستحیل پندارند یوم یوم
احبّاء الله است که بقوه بیان و اعلان و اثبات آثار مبارکه

اولین انوار شفق صبح صلح عمومی را بدیده جنگجویان

ص ۲۷

و مایوسان عالم بنمایند و باظهار و شرح وعده‌های محکمه و بشارت مبارکه لزومیت تأسیس صلح اعظم را بمنکرین و معترضین بدلائلی مقنعه اثبات نمایند افراد بشر در شرق و غرب و جنوب و شمال چنان غافلند که محو و ازاله تعصبات متنوعه متزایدۀ عالم را بهیچوجه قابل الاجرا و ممکن الوقوع ندانسته تأسیس عصر طلائی موعود را مظنون و موهوم شمرند روز روز یاران حضرت عبدالبهاست که باعمال و رفتار و گفتار و کردار تعالیم سماویّه را کلاً یک یک در حیات خویش مجسم نمایند و هر یک بشیر آن عصر مشعشع نورانی گشته ندا بقرب وقوع آن یوم مبارک نمایند و تردّد و انکار و اعتراض مادّیون عالم را بایقان و اقبال و توجّه تام تبدیل دهند این است اولین وظیفه هر شخصی که خود را نسبت بامر حضرت بهاءالله دهد و باین نام مقدّس مبارک در میان اهل عالم معروف شود و الا اگر کردار ممدّ و مثبت گفتار نشود روح الهی از نفوذ و تأثیر باز ماند و از جلوه و شکوه ممنوع گردد. در این سیل همّت موفور شرط اول است و هر صبح و شام بلکه هر دقیقه و آنی مستمرّاً جهدی بلیغ لازم و واجب اگر سعی و کوشش مبذول گردد و صبر و شکیبائی و بیداری و هوشیاری از نظر محو نشود و بدعا و تضرّع و استغاثه و استعانه از ملکوت الهی منضمّ گردد شبهه‌ای نیست که

ص ۲۸

تأییدات پی در پی رسد و بهائیان من جمیع الوجوه چنان ممتاز از سایرین و فائق بر رجال گردند که ندای اسم اعظم عالمی را مجذوب نموده از وضع و شریف کلّ ساجد و خاضع این امر رحمانی شوند و سلطنت ظاهره باطنه حقیقیه حضرت بهاءالله را بچشم سرّ و سر بینند که چه نحو بر تمام طبقات عالم مستولی گشته و نشئه حیات حقیقی و روح ابدی در ارکان عالم دمیده چه خوش است اگر این روز فیروز

و یوم موعود بزودی زود بدون فتور و تأخیری جلوه گر گردد
و چشم روحانیان بتحقیق و عود الهیه منور شود هر یک از این
حزب مظلوم عزیز دو عالم شود و سرور جهانیان گردد و جیش
الهی بفتوحاتی روحانی و ابدی فائز گشته مظفر و منصور
شود در حق آن یاران از اعتاب علیا فراغت و آزادی از شئون
دنیا خواهم تا در نهایت سکون و راحت بتمام قوی در پیشرفت
مقاصد روحانیّه و اتساع خدمات امریه قیام نمائید و موفق
گردید نظرش شامل است و الطاف و تأییدش کامل تا همت
احبّا چه نماید و تخمهای افشاندۀ ید عنایت حضرت
عبدالبهاء در این سنین متوالیه از اراضی قلوب آن یاران
بچه قوت و سرعتی انبات گردد و نشو و نما کند شبهه ای نیست که
هر یک از آن مدعوین مائده رحمانی و مختارین ملکوت الهی
جمعی را در ظلّ ظلیل کلمه الله وارد خواهند کرد و وصیت

ص ۲۹

امر مبارک را در آفاق مشتهر خواهند ساخت ولی آنچه را این
عبد استدعا و تمنا نماید همانا وقایت و حفظ امر الله است
و مزید موفقیت یاران الهی تا بهیچوجه خلل و فتوری در
پیشرفت امر الله حاصل نگردد و من دون تأخیر در نهایت
قوت و سرعت و ابّهت و جلال تمام مقاصد و آمال و مآرب
بندگان جمال ابھی در این عالم وجود تحقّق پذیرد
و شبهه ای نیست که باثر ادعیه خالصه آن وجودات مبارکه
و جان نثاران و خادمان عتبه مقدسه این دعا مقرون باجابت
گردد و این غیوم متراکمه روزی متلاشی گشته اشعه تأیید
پی در پی اشراقی شدید در ارواح و نفوس نماید و نصرت
محتومه امر حضرت بهاء الله را بر عالمیان واضح و ثابت گرداند.
بنده آستانش شوقی"

و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

" فدیتکم بروحی و فؤادی یا احبّاء الله و امنائه در این حین
که بیاد آن نفوس خالصه مخلصه و هادیان امر رحمانی در آن
صفحات افتادم بقلبی طافح از محبت و اشتیاق قلم را
برداشته تا احساسات و عواطف قلبیه این عبد نسبت بآن

دوستان عزیز که هر یک معین و ظهیر این فانی در ترویج امر الهی هستند ابراز و اظهار نمایم هر چند در تحریر و مخابره ظاهر تأخیر و فتور حاصل گشته ولی همواره قلبم بروابطی

ص ۳۰

روحانی مرتبط بان یاران بوده و جان و روانم بذکر و فکر آن حبیبان همدم و مانوس این ایام ایام انقلاب است و علائم و بشائر بشارات موعوده در کتاب در بروز و ظهور زمان اطمینان است و اوقات همّت و استقامت و خدمت بامر الله هر قدر افق عالم تاریکتر گردد و نوع بشر بر مخاصمات و منازعات مذهبی و سیاسی و نژادی و اقتصادی خویش بینفزاید اشعه امید پرتوی شدیدتر اندازد قلوب یاران بتحقیق آمل و ایفا و اکمال وعده‌های الهی شاد و مطمئن تر گردد ولی این بشارات موعوده تحققش متوقف بر همّت یاران است و استقامتشان در سبیل اعلاى امر الله منوط بتوجه و استعانه مستمری آن نفوس از مصدر الطاف است و مشروط بمراعات حکمت و توطید ارکان مشورت و تألیف قلوب در بین احبّاء الحمد لله که در این ظهور بدیع الواح و آثار الهیه راجع بامور اصلیه و فرعیّه جزئیّه و کلیّه علمیه و فنیّه مادیّه و ادبیّه سیاسیّه و اقتصادیّه چنان عالم را احاطه نموده که شبه آن از اول ابداع در هیچ مظهری از مظاهر قبل و هیچ عصری از اعصار غایره دیده و شنیده نشده شخص بهائی اگر توجه تام باین آثار مقدّسه نماید و خوض و تعمق در بحر این تعالیم سماویّه کند و معانی دقیقه و حکمت‌های بالغه مودعه در هر یک را بدقت و ملاحظه از آن استنباط نماید از هر محنت

ص ۳۱

و مشقتی و تعب و زحمتی و خطر و وبالی و حزن و کدری در حیات مادی و ادبی و روحانی خویش محفوظ و مصون ماند وقت آن است که نور این تعالیم کافیه شافیه که کافل نجات و استخلاص این عالم پر اختلاف و ظلماتست بهمت آن حبیبان و استعانت دوستان و حکمت یاران و خلوص و جانفشانی احبّاء

بر عالم بشر پرتوی شدید افکند و این سیئات عالم وجود را بحسنات تبدیل نماید و این اضطراب و دهشت و روح انتقام و ضغینه و خوف را که ارکان عالم را متزلزل نموده باطمینان و راحت دل و جان و حبّ و وداد و الفت و التیام و اخوّت حقیقیّه مبدّل نماید تا امر جلیل حضرت بهاءالله پرده برانداخته ولوله و آشوبی در قلوب و ارواح اندازد و صوت تهلیل و تکبیر و نعت و وصف جمال ابهی و قوه حضرت عبدالبهاء عالم کون را باهتزاز آرد. احبّای الهی منصور و مظفّر گردند و اعدای الهی مقهور و معدوم امر الهی سلطه‌ای جهانگیر یابد و قوای ملکوت بر ممالک و افراد بشر مستولی گشته این قطعه زمین گلزار و گلشن گردد پس باید بامید همچو روز مبارکی در نهایت شور و همّت و توکل و اعتماد قیام بر نشر نفعات نمائیم تا بمقصد اصلی فائز گردیم و امر الهی را بتمام قوی نصرت نمائیم و بمشاهده جمال اقدس ابهی و فوز لقای مولای خون حضرت عبدالبهاء باجر و ثوابی جزیل در ملکوت

ص ۳۲

ابهی فائز و نائل گردیم هر دم منتظر بشارات روح انگیز از آن نواحی و صفحات بوده و هستم و بیاد آن منادیان امر الهی در این جوار مقدّس مانوس و مألوف.

بنده آستانش شوقی "

حمد و ثنا عنایات و تأییدات غیبیّه جمال ابهی را که این حزب متشکّلت مظلوم را در این مهممه و آشوب محافظه فرمود و نصرت بخشید بساط اعدای امرش را در هم پیچید و زلزله بارکان آن مخربین بنیان الهی انداخت اشعه ضعیفه امید حسودان را بظلمات یأس مبدّل کرد و جنبش و حرکت مذبوحه اهل نقض و فساد را بخمودت و موت ابدی تبدیل داد آنچه را در حقّ آنان وعده فرمود ظاهر و عیان کرد و نور هدایت و قوه مستمرّه روح مقدّسش را بر هر مرتابی مکشوف و مبرهن فرمود پس چرا خاموش نشینیم و حزن و اندوه بخود راه دهیم. هنگام خدمت و نصرت است و ایام ایام استقامت و جانفشانی در سبیل امر الله تقدیرات الهیه را جز آن عالم

غیب و شهود دیگری نداند و آنچه را آینده از حیّز غیب
بحیّز شهود رساند هیچ نفسی از پیش واقف نگردد ولی شکر
آن مولای حافظ و ناصر را که بوعده‌هائی روحبخش چنان
قلوب این خسته دلان را شاد و مطمئن فرمود که هر قدر محن
و بلا یا و مشکلات و رزایا از دست ملت غافل و احزاب متباغض

ص ۳۳

و اعدای مهاجم و رجال ظالم غدار وارد گردد ادنی غباری
بر خاطر نورانی یاران حضرت عبدالبهاء نه‌نشیند و غیوم
مظلمه حیرت و افسردگی انوار امید و اطمینان را از ظهور
و اشراق در قلوب صافیة احبّا منع ننماید حضرت بهاء‌الله
در این معرکه عظمی که عالم وجود را بحرکت آورده از افق
ابهایش نظری انداخته باهنگی ملکوتی منادیان امرش را خطاب
میفرماید و نریکم من افقی الابهی و ننصر من قام علی نصره
امری بجنود من الملاء الاعلی و قبیل من الملائکة المقربین
آن جیش عرمرم تأیید ممدّ و ناصر و ظهیر این آوارگان
است و قوای مادیة عالم از تأییدات جنود ملاء اعلی محروم
و ممنوع هیچ بنیانی اساسش استوار نگردد و باقی و برقرار
نماند مگر بنیان الهی و هیچ امری در عالم امکان ترویجی
ابدی و تعمیمی دائمی نیابد مگر آنکه مستمدّ از قوای روحانیّه
گردد و اساسش مبنی بر تعالیم امر الهی باشد لذا هر
سطوت و سلطنتی رو بزوال است و هر شوکت و جلالی عنقریب
محو و فراموش گردد ولی این عدّه معدوده احبّا که تا بحال
کلام و بیانشان از حوزه محدوده خویش خارج نگشته و بر
افکار عمومی عالم مستولی نشده چون مستند بر تعلیمات
روحانیّه‌اند و مصدر اقدامات و خدمتشان فیوضات الهیّه
است در مستقبل ایام حتماً و اکیداً روزی گوی سبقت را از

ص ۳۴

میدان تمام رجال عالم خواهند برد و سلطنتی ابدیّه
الی ممرّ القرون و الاعصار تشکیل و تأسیس خواهند کرد
حال وقت تخم افشانی است و استحکام اساس متین الهی بماء

حکمت باید بذر محبت الهی که در اراضی قلوب کشته شده سقایت کرده و از عواصف شدیدة این ایام و بادهای مخالف نفس و هوی محافظه شود واضحاً میفرماید و تأکید مینماید
 قوله الاعز الاعلی و اما ما سئلت من الآیة الموجودة فی سفر دانیال طوبی لمن یری الف و ثلاثاً و خمسة و ثلاثین هذا سنة شمسیة لیست بقمریة لانّ بذلك التاریخ ینقضی قرن من طلوع شمس الحقیقة و تعالیم الله تتمکن فی الارض حقّ التمكن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها یومئذ یرح المؤمنون این کلمات معدودة مبارکه که اوضح من الشمس است و مصرح و مؤکد فی الحقیقه اهل بها را کافی است که شعله امید و اطمینان را در قلوبشان بفروران آرد و آن روز فیروز را در انظار جلوة تام دهد روح جدیدی بنفوس بخشد و قوه کاملی در تهیّه و تدارک این یوم مبارک بآن یاران بخشد حال وقت همّت است و زمان استقامت و تمسک بحبل تعالیم الهی در جمیع شئون و احوال.

بنده آستانش شوقی

ص ۳۵

و در لوح جناب میرپوریان در باره تاریخ دانیال از قلم مطهر ولی امر ذوالجلال نازل قوله الاحلی:

"مرفومه آن دوست معنوی مورخه ۲ شهر الجمال سنه ۱۰۳ بلحاظ مکرمت و مودت حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه فائز

..... راجع ببشارت ۱۳۳۵ که در رساله دانیال مذکور

و بلایا و رزایای عالمی در این سنین باقیمانده سؤال نموده

بودید و همچنین سؤال از انقضای یک قرن از طلوع شمس

حقیقت که حضرت مولی الوری ارواحنا لرمسه الاطهر فداه

راجع ببشارت مذکور دانیال در لوحی از الواح میفرمایند که

ابتدای طلوع آن قرن از چه سنه شروع میشود فرمودند بنویس

دوره بلایا و رزایا منتهی نگشته و میعاد ۱۳۳۵ راجع

بارتفاع امر الله و انتشار تعالیم الهیه است که بعد از انتهای

یک قرن از طلوع شمس حقیقت یعنی اظهار امر جمال قدم

در مدینه الله سنه ۱۲۷۹ تحقّق پذیرد و مبدأ ۱۳۳۵ سنه

هجرت حضرت رسول الله است.

بنده آستانش شوقی

و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

"افدیکم بروحی یا اولیاء الله و احبائه هر چند این عبد
آستان در این جوار مستجیر و از آن اماکن منوره دور و مهجور
ولی چه بسا اوقات که قلب و روان بیاد دوستان آن قطعه

ص ۳۶

نوراء مهتر و بذکر و فکر محبوبان آن سامان مألوف و مشعوفم
نهایت آمال و آرزوی دل و جانم زیارت آن مهبط انوار است
و طواف مسقط رأس مبارک جمال اقدس ابھی تشرّف بآن خاک
تابناک است و سیر و مرور بر آن اودیه و جبال و اتلال مبارکه
آن خطّه علیا استنشاق روایح قدس از آن دیار است و شرب
ماء معین از نهر جاریه صافیّه آن صفحات آن یاران که
بچنین نعمتی فائز و در همچو مقاماتی ساکن و مقیمند باید
هر دم در آن موطن مبارک جمال قدم از آن سرچشمه فیوضات
استفاضه نمایند و پرتوی از این موهبت کبری بر ایران و ایرانیان
افکنند در حبّ و وداد و روحانیت و اشتعال فی الحقیقه
سرور جهانیان گردند و در تقدیس و تنزیه و تجرّد از متاع
و شئون دنیا سرمشق عالمیان شوند محافلی چنان مجلّل
و مکمل در حوالی آن مقامات مقدّسه بیارایند که نفحات
مشکبیزش مشام این مشتاقان را معطر و عنبرین نماید
بنیان مشید رفیع مشرق الاذکار را کاملاً در قلب صفحات
مازندان مرتفع سازند و صوت تهلیل و تکبیر در لیالی و
اسحار چنان مرتفع گردد که تموجات روحانیش باین شواطی
مقدّسه واصل گردد و عالمی را بطرب و اهتزاز آرد و بخدمات
و اقداماتی در سبیل تحسین احوال و ترقی و پیشرفت وطن
خویش و عالم انسانی قیام نمایند که افکار کلّ متوجه بآن

ص ۳۷

نقطه مبارکه گردد و اشعه هدایت بر آن اقلیم بلکه تمام
اقلیم عالم منتشر شود همچو یوم مبارکی محتوم الوقوع است

و بشارات منزله در حقّ آن خطّه مطهره حکم بدا از آن مرفوع
پس جهد نمائیم و بتصرّح و ابتهاال از جمال قدم و اسم اعظم
مسئلت نمائیم که ما را بنفثات روح القدس روحی جدید
بخشد و در آن انحاء و اکناف مبعوث نماید و مقدر فرماید که
باین تاسیسات موفق گردیم و بتمهیدات همچو روز فیروزی
مخصّص و مؤید شویم هر چند در این ایام ظاهراً اسباب
مفقود ولی آنچه مهم و الزم است تقویت ارکان امر الله در
آن سامانست و ازدیاد شور و وله و روحانیت و انجذاب و
الفت و اتحاد و تبلیغ و خدمت در بین احبّاء الله تا بتدریج
آنجوهر مستور مکشوف شود و آن یوم موعود بمیان آید
عنایات خاصّه خفیه جمال قدم و حضرت عبدالبهاء روحی
لرمسهما الاطهر فداء شامل آن یاران بوده و حال بیش از
پیش ید عنایتش معین و هادی آن نفوس مقرّبه درگاه الهی
است پس باید بشکرانه این الطاف در نهایت توکل و اعتماد
مجدداً بر هدایت نفوس از تمام طبقات چه اعلی و چه ادنی
قیام کنیم و مترصد تأییدات متواصله اش گردیم این است
سمت آن خاصّان الهی و این است رویه مجاورین آنمقامات
مقدسه امیدم چنانست که باین شیوه مرضیه مزین گردید

ص ۳۸

و هادیان عالم انسانی شوید.

بنده آستانش شوقی "

حمد و سپاس قوه قاهره جمال اقدس ابهی و شکر و ستایش
عنایات موفوره و توجّهات کامله حضرت عبدالبهاء را که در آن
سامان جم غفیری را بشاطی بحرایقان و عرفان دلالت
فرمود و ندای امر رحمن را گوشزد آن نفوس زکیه طیبه کرد
جمعی را از مدعوین و مختارین در ظلّ لوایش محشور نمود
و بفوز شهادت کبری و اکلیل جلیل جانفشانی فائز و مکمل
فرمود بدماء مسفوکة شهداء شجره امرش را سقایت کرد
و بخدمات فائقه آن یاران باوفایش اساس بنیان متین را
بنهاد در عبودیت آستان مقدّسش آن یاران و یاورانش را
سهیم و شریک خود دانست و عنایات لا تعدّ و لا تحصی در حقّ

آن حبیبان مبذول داشت حال وقت آن است که در مقابل این
الطاف و تعطفات و عزّت و افتخار و حنو و تعلق قلبی که
من دون استحقاق شامل حال این ضعفا گشته هر یک باجرای
نصایح و تعالیمش قیام نمائیم و آنچه را تمنای قلبی و رضای
او بوده بتمام قوی در تحصیل و اجرای آن بکوشیم و آن خدمت
امر الله است و عمل بموجب نصایح الهیه و تعالیم سماویّه
تألیف قلوب است و تهذیب اخلاق انقطاع از ما سوی الله

ص ۳۹

است و ترویج امور خیریه و مصالح عمومیّه عالم انسانی
هدم بنیان جنگ و قتالست و تأسیس بنیان مشید صلح عمومی
ازالّه تعصباتست و تعمیم علوم و معارف باید بهائیان
طراً در تمام احیان این حکم الهیه و مبادی سامیه را در
اعمال و کردار و رفتار و گفتار خویش چه جزئیات و چه کلیات
هر دو اظهار و اثبات نمایند تا این امر عظیم افکار عالم را که
حال در نهایت پریشانی و حیرانی خفیه متدرجاً متوجه
بقوای معنویّه گشته جذب نموده بر آن بتمامها مستولی گردد
و احبای الهی علل متزایده مزمنه عالم را باین دریاق اعظم
شفائی سریع و کامل بخشند این چه نعمت و موهبتی است
که در حقّ یاران مختارین ملکوت ابهائیش مبذول گشته و این
چه تاج عزّت و افتخاریست که بر سر آن نجات دهندگان
این عالم ظلمانی نهاده حال وقت ستایش و نیایش است
و طلب و استمداد تأیید و عون و صیانت جمال ابهی تا توفیق
رفیق گردد و روح مکنونه امر الهی جلوه نموده بر قوای عالم
طبیعت و سیاست بتمامها غلبه نماید بساط امر الله در شرق
و غرب در انظار ممالک و شعوب گسترده شود و ندای جانفزای
یا بهاء الابهی آشوب و ولوله مادّیون و سیاسیون و اقتصاديون
را بنشانند و بفوزی حقیقی و سعادت‌ی سرمدی رسانند
حال وقت همّت است و زمان خدمت بوصایای مبارکه رجوع

ص ۴۰

نمائید و در اهمّیت تبلیغ و تشجیع و تحریص احبّاً بر خدمت

این امر عظیم در این ایام مظلومه ملاحظه و دقت فرمائید که
چقدر مهم و لازم است و بر هر امری فائق و مقدم ولی حکمت
را باید منظور داشت علی الخصوص این ایام که آن اقلیم
پریشان و در هیجان است و احزاب مسلط و مکاید و مفسد
قویّه در میان. احبّا باید بحبل المتین تعالیم الهی متمسک
گردند و بدیل مشورت تشبث نمایند و الا مشکلات تزايد
یابد و در امر تبلیغ و هدایت نفوس فتور و تأخیر حاصل شود
و در لیالی و ایام در احیان مناجات بیاد آن خادمان
جان نثار امر الهی بوده و هستم الطاف و تأییدات و عون
و صیانتش را لزال در حق آن برادران و خواهران روحانی ملتمس و طالبم.
بنده آستانش شوقی

هو الله

ثابتین بر عهد محکم الهی را در هر دمی مشامی معطر
بنفحات رحمن خواهیم و قیام و اقدامی بدیع در این ایام
آرزو نمایم هر چند امور در بعضی از نقاط در آنصفحات منقلب
و پریشان گشت و یاران مظلوم دوباره بچنگ اهل سوء و عدوان
و مغرضین گمراه افتادند ولی ید غیبی دوستانرا نصرت

ص ۴۱

میفرماید و اهل ظلم و ستم را عنقریب مقهور و مغلوب خواهد
نمود ادعیه قلبیه مستمره برادران و خواهران آن مظلومان
در قطعات اروپ و امریک و آسیا و افریک بساحت قدس آن
مولای حنون رسیده مقبول و بعز اجابت مقرون خواهد
گشت و این فئه ضعیفه را محافظه فرموده مسلط بر دشمنان
و حسودان خواهد فرمود ثمرات این بلیات و صدمات در
مستقبل ایام چون شمس ظاهر و معلوم گردد و نتیجه این
پریشانی و ویرانی احبّا بعد از این بوجه یاران و دشمنان
هر دو مکشوف شود احبّا از صدمه و ابتلا در سبیل امر الله
نباید دقیقه ای آزرده گردند و متأثر و متحسر شوند
در لوح ابن ذئب آن لسان عظمت که تسلی دهنده عالم
است باین بیان ناطق طوعاً لقاض اتی فی حکمه عجباً
افتی بسفک دمی فی الحلّ والحرم.

براستی میگویم آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوب
جانست و مقصود روان سم مهلك در سبیلش شهیدست
فائق و عذابش عذیبت لائق در لوح حضرت سلطان ذکر
شده و نفسه الحق لا اجزع من البلايا فی سبيله ولا من
الرزایا فی حبه قد جعل الله البلاء غادية لهذه الدسكرة
الخضراء و ذبالة لمصباحه الذى به اشرقت الارض و السماء
این تذلیل ظاهره احباء الله در آن دیار باید سبب شود

ص ۴۲

که حرارت محبت الله در قلوب شدت یابد و نور استقامت و
همت نفوس را بیش از بیش منور سازد این ظلم و ستم چون
عاقبت ممد امر الله است باید مذاق روحانیان را شیرین و انگبین
نماید و بر تشکر و امتنان و خلوص و انجذابشان بیفزاید چه
که این واقعه مانند ابر بهاری اراضی قلوب را مستعد نموده
بگل و ریاحین ایمان و ایقان زینت و رونقی بدیع بخشد
و نار این عذاب نورش عنقریب پرتو هدایت کبری را بر نفوس
و ارواح عالم افکند حال وقت صبر و سکون است و هنگام
تمسک بحبل المتین تعالیم الهی هر قدر یاران بیشتر توجه
بمبادی اساسیه این امر نمایند و معانی و حکمتهای بالغه را
از آن کلمات عالیات استنباط کنند و همت در اجرای آن نصایح
مشفقانه فرمایند عنایت و حمایت الهی بیشتر شامل گردد و
اشراق تأیید قوی تر شود خطه تبلیغ بهتر معلوم گردد
و شاهراه خدمت بامر الله و ترویج دین الله واضحتر و مکشوفتر
شود الحمد لله آنچه لازمه ترقی و ارتفاع عالم باعلی درجه
عزت و فلاح است من جمیع الوجوه از قلم اعلی و کلک میثاق
بابدعها نازل گشته بیاران اسباب را کاملاً عطا فرموده تا
بهمت و استقامت و خلوص و جانفشانی در میدان خدمت قدم
گذارند و تا نفس اخیر بکوشند که این ندا جهانگیر گردد و این
نور جهان افروز شود و بیاد آن یاران در جوار این سه بقعه

ص ۴۳

مبارکه در هر دمی مانوس و مألوفم و در حق آن یاران بدعا

و مناجات مشغول و ورود بشارت روحبخش از آن دیار منتظر و مترصد
بنده آستانش شوقی

هو الله

روحی لمحبتکم الفداء یا اولیاء الله و احبائه، هر چند
از مخایره و مراسله با آن برادران و خواهران عزیزتر از جان
و روانم مدت مدیدی ممنوع و محروم گشتم و عواطف مکنونه در
قلب را از محبت و تعلق و اشتیاق و امید نسبت بآن خادمان
عتبه مقدسه ظاهراً ابراز و اظهار نمودم ولی همواره بیاد
آن یاران حضرت عبدالهه که در عبودیت آستان بها شریک
و سهیم این عبد نالایقند مألوف و مانوس بودم و بتذکر و تفکر
در حال آن عزیزان مشغول پس از واقعه مؤلمه صعود مولای
حنون بملکوت ابھی چنان روابطی معنویّه قلوب جمیعمان را
در خدمت و جانفشانی بامر اعظمش متحد و مرتبط فرموده
که بعد مسافات و مرور سنین و ایام و انقلابات جهان
و دسائس حسودان و تزاید مشاکل از یکدیگر منفصل ننماید
که سهل است مخابرات روحانیّه مستمره را بهیچوجه حائل
و مانع نگردد این قوه ملکوتیه که ارواح و نفوس احبا را چون

ص ۴۴

تن واحد و اعضا و جوارح یک هیکل فرموده و هیچ یدی
و هیچ امری متشتت و پریشان نگرداند بلکه آلام و حوادث
زمان و هیجان و آشوب عالم بر الفت و یگانگی و وحدت
و استقامت این حزب مظلوم بیفزاید صفوف مجنده این جیش
مؤید الهی را هیچ دسیسه و شوکتی خرق ننماید و این
جمع متوجه بافق اعلی را هیچ ظلم و جفائی و تعدی و ابتلائی
متشتت و متفرق نگرداند اساسش را ید قدرت الهی نهاده
و در ظل جناح عنایت و مکرمتش نشو و نما و محافظه گشته
فتوحاتش فتوحاتی روحانی است و وسائل و وسائط نیل
مرامش اسباب غیبی الهی تعلیماتش من عند الله است
و قشون و سپاهش جنود تأیید ملاً اعلی پس چرا خموش و
ساکت نشینیم و این عالم پرفتنه و آشوب را بحال خود گذاریم

و درد و آلام مزمنه‌اش را درمان ننمائیم امید وحید شعوب
و قبائل و طوائف ممتحنه عالم توجه بمدنیت الهیه است و یکتا
حافظ و حامی این خلق بیچاره از هجوم و تسلط قوای
مهلكه مادیه حصن حصین امر الهی است اگر چنین است
دقیقه‌ای فتور در ترویج امر بها ظلمی است عظیم و اهمال
و عدم اهتمام در انتشار این نور مبین فتور و قصور است شدید
میفرماید المدعوون كثیرون و المختارون قلیلون پس ما را که
سروش الهی در این ظهور اعظم بخوان موهبت کبرایش دعوت

ص ۴۵

نموده چرا باید خود را از این نصیب هدایت من علی الارض
محروم سازیم و از مختارین در ملکوتش محسوب نگردیم و در
زمره مقررین محشور نشویم باید بتبلیغ در نهایت تمکین
قیام نمود این است امری را که الیوم حضرت عبدالبهاء
از ملکوت جلالش بآن ناظر و از دوستانش منتظر در وصایای
اخیره‌اش میفرماید "در این ایام اهم امور هدایت ملل
و امم است باید امر تبلیغ را مهم شمرد زیرا اس اساس است
این عبد مظلوم شب و روز بترویج و تشویق مشغول گردید
دقیقه‌ای آرام نیافت تا آنکه صیت امر الله آفاق را احاطه
نمود و آوازه ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد یاران الهی
نیز چنین باید بفرمایند این است شرط وفا این است
مقتضای عبودیت آستان بهاء " حال بقلبی امیدوار منتظم
که آن یاران مصداق این کلمات مبارکه گردند و اس اساس
را در عالم وجود مستحکم ساخته بنیان امر الهی را متدرجاً
بر آن بنیاد مرتفع نمایند و شرط وفا را مجری دارند و بمقام
عبودیت صرفه بحته فائز گردند منتظر این بشارات روحبخش
از آن دیار بوده و هستم.

بنده آستانش شوقی

روحی لوفائکم الفداء فی الحقیقه در این ایام مظلومه که
جمال بيمثال محبوب و مولای مهربان از دیده عنصری متواری

ص ۴۶

گشته و دل مهجوران مشتاق را ایف غم و اسف و حسرتی
 شدید فرموده آن برادران و خواهران روحانی که هر یک
 معین و ناصر و ظهیر این بنده ضعیفند بتمام قوی متوجّهاً
 الیه متوکلاً علیه منقطعاً عن دونه باجرای تمنا و آرزوی حضرت
 عبدالبهاء قیام فرمودند و شرط وفا را باتمها و اکملها
 مجری داشتند از اهل وفا در صحیفه حمرا محسوب گشتند
 و در زمره مقررین داخل شدند اجرشان عند الله جزیل است
 و مقامشان در ملکوت ابهی عظیم و رفیع و امیدم از درگاه خداوند
 عالمیان چنان است که روز بروز بلکه آنافاناً بر ثبات و روحانیت
 و همّت و خلوص بیفزایند شعله هدایت کبری را در آن خطّه
 برافروزند و عالم تشنه لب را بسلسبیل عرفان الهی برسانند
 هر یک آیت هدی گردند و هادی جمعی غفیر از غافلان و محرومان
 عالم شوند بحکمت کبری مجامع تبلیغ بیارایند و علم مبین
 یا بهاء الابهی را در قطب آن اقلیم برافرازند قلوب متنفره
 از یکدیگر را التیام و ارتباطی حقیقی دهند و احزاب و ملل
 متباغضه را بصلح و آشتی دائمی دعوت نمایند باعمال
 نفوس را تقلیب نمایند و بسلوک و رفتار نام بهائی را عزیز
 و صیت امر را مشتهر سازند از شرّ ظلمات تعصّبات عالم
 مادّی را رهائی دهند و بتعمیم و تحکیم اساس تربیت
 خدمت بعالم انسانی نمایند مختصر تعالیم حضرت بهاء الله

ص ۴۷

یک یک تأسیس کنند و در حیات خویش مشخص نمایند این
 چه امر مهمّ لازمی است و چه وظیفه صعب مشکلی تقالید
 و تعصّبات در نفوس مخمّر و اغراض و امیال شخصی در کلّ نفوس
 موجود جز قوه قاهره تعالیم بها این تعصّبات را محو
 ننماید و این مفسد قویه که جسم امکان را مسموم و علیل
 نموده اصلاح ننماید و بشعله محبت الله و حرارت خلوص و
 انجذاب تبدیل ندهد وقت خدمت یاران است و ایام
 ایام خدمت و جانفشانی و سعی و جهد در نجات و استخلاص
 عالم انسانی باید بافراذ بشر پرداخت و بتربیت نفوس
 ابتدا و قیام کرد تا ملل عالم که مرگب از افرادند و دول که

از اجزای مَلت محسوب هر دو تقلیب کردند و هدایت شوند
و باینواسطه وحدت عالم انسانی تاسیس شود و نجاح و فلاحش
تحقق پذیرد الیوم نقطه نظر احباً باید تربیت و تثقیف
افکار و تحسین اخلاق نفوس باشد تا بتدریج هیئت اجتماعیّه
تغییر پذیرد و خیمه یکرنگ عالم انسانی مرتفع شود باید
در این ایام بامور اساسیه پرداخت و ارکان این بنیان مشید
را در نفوس افراد مستحکم ساخت چون افراد راسخ و کامل
و ثابت گردند امر ترویج تحقق یابد و انتشار سریع امر الله
ممکن گردد تربیت اطفال بحسب تعالیم مدوّنّه در کتب
الهیّه بینهایت مهم و لازم است در آن اهمال ننمائید چه که

ص ۴۸

اسّ اساس است علوم مادّیه عالیّه و اطلاعات روحانیّه و خوض
و تعمّق در الواح و آثار مبارکه و تعلیم اسلوب تبلیغ و تاریخ
ادیان و تحصیل کتب مقدّسه از انجیل و توراّه و قرآن کلّ از
مبادی اساسیه تربیت اطفال و جوانانست و چون باین
تحصیلات موفق شوند باید کلام و بیان را بافعال لایقه و
اعمال طیبه مزین دارند و اثبات نمایند تا از مادون ممتاز
گردند و سرمشق سائرین شوند و چون چنین شود فوج فوج
نفوس اقبال نمایند و هدایت گردند از آستان مقدّس دعا
و استدعا نمایم که اطفال و جوانان و سائر احبّاً از رجال
و نساء کلاً بایفای وظایف مقدّسه خویش قیام نمایند و در
اقدامات و مساعی خود مؤیّد و موفق شوند.

بنده آستانش شوقی

ای برادران و خواهران روحانی، این عبد فانی در صبح
و مساء از ملکوت جلال در اینجوار عون و صون و حمایت
الهیّه را از برای آن برادران و خواهران روحانی طلبم
و مزید موفقیت آن دوستان را از درگاه حضرت عبدالبهاء
جویم که ای خدای مهربان نبأ عظیمت را باسبابی غیبی در
عالم امکان نصرتی سریع بخش و یاران ایران را در این سبیل
بخدماتی فائق موفق کن سراپرده وحدت عالم انسانی را

در قطب آفاق بموجب تعالیم ربانیّهات مرتفع نما و یاران
آن سامان را در سایه آن خیمه یکرنگ در انظار عالم جلوه ده
این حزب متشکّات را در ظلّ لواء میثاقت ناصرأ مظفراً
جمع کن و هر یک را عزیز دو جهان فرما آلا و نعم مادی و
معنوی را بر خادمان جانفشان امرت مبذول کن و این
بندگان با وفایت را در ملکوت خویش بثوابی جزیل فائز و نائل
فرما الحمد لله که الیوم بشائر اعلاء امر الله در بروز و
ظهور است و علائم ترویج کلمه الله در هر نقطه و دیاری واضح
و مشهود در دین الهی در قطعات خمسّه عالم علی الخصوص
در اکناف و صفحات بعیده قطعه استرالیا و شرق اقصی
نفوس زکیه ای دسته دسته داخل میگردند و عنقریب فوج
فوج در جنوب و شمال و شرق و غرب عالم باین نور مبین
اقبال نمایند مصداق بشارات قلم اعلی در شرف ظهور
و وقوع است و نتایج بلیات و صدمات و مشقّات متوالیه حضرت
اعلی و جمال اقدس ابهی و مولای عزیز حضرت عبدالبهاء
متدرّجاً باکملها و احسنها واضح و مکشوف میگردد حال که
امر مبارک جمال قدم رو بتقدّم و اتّساع است و صیت آوازه
امر الله بسمع جهانیان رسیده احبّای الهی باید بیش از
پیش علی الخصوص در آن خطّه منقلبه مراعات حکمت را نمایند
و پرده دری نکنند از حدّ اعتدال خارج نگردند و وظایف

مقدّسه خود را بانجام رسانیده بصبر و سکون منتظر شمول
تأییدات الهیه گردند و مترصد حصول اسباب فوز و فلاح.
تعجیل نمایند و افکار را در اضطراب و هیجان نیندازند
ید غیبی بتمهید اسباب و رفع مشکلات و تقلیب نفوس مشغول
است یاران باید در حسن کردار و حسن رفتار کوشند و گفتار
و کردار را در جمیع شئون چه جزئی و چه کلی تطبیق نمایند
اگر چنان شود نفوس منجذب شوند و غافلان آگاه گردند
والآ امر الهی از تأثیر و نفوذ باز ماند و روح الهی از جریان
و سریان در عروق و شریان عالم امکان ممنوع گردد حیف

است اگر این نار محبت الله که در قلوب الیوم روشن گشته
از شعله و فوران ممنوع شود و از فتور و خمودت یاران تسکین
و تخفیف یابد ظلمات تعصبات نور دین حقیقی را از وجه
عالم مستور نموده وقت آن است که منادیان این ظهور الهی
باعمال و اخلاقشان باین نار موقده در قلوب شعله بارکان
عالم زنند و لزومیت دین را بدلائلی قولی و فعلی بمفسدین
و مادیون عالم اثبات نمایند هر چند آن میدان وسیع است
ولی جولان مشکل چه که اعمال طیبه طاهره مرضیه شرط است
و من دون آن خسران مبین باید توسل بذیل کبریا کرد
و شب و روز استدعا و التجا نمود که در این سیل ید عنایتش
مدد بخشد و توفیقش رفیق گردد تا باعمال لایقه شایسته

ص ۵۱

این مقام فائز شویم و خدمتی شایان بعتبه مقدسه اش
نمائیم این است دعای این عبد در آستان الهی و چون
بادعیه خالصه آن یاران منضم گردد امید چنان است که
مقبول آن درگاه شود و بعز اجابت مقرون گردد منتظر
اخبار روحبخش یاران از آن سامانم و بذکر و فکر و ثنایشان دائماً مشغول و مأنوس.

بنده آستانش شوقی

مشتعلان بنار موقده الهیه و ناشرین تعالیم ربانیه را در
آن صفحات پیشرفتی عظیم و نجاح و فلاحی باهر در میدان
امر الله از درگاه الهیه دائماً مسئلت مینمایم که ای رب عزیز
قلوب محترقه حبیبانت را بمرور نسائم امید و عنایت شاد
و مهتر فرما و بانوار تعالیم آسمانیت آن خطه مبارکه را
روشن کن خیمه امرت را در قطب آن اقلیم جلیل مرتفع نما
و یاران آشفته رویت را بقوتی ملکوتی مبعوث کن موانع و
مشاکل را باسبابی غیبیه زائل نما و ندای اسم اعظمت را
بگوش هر قریب و بعید و وضع و شریف برسان تا بادیه
خراسان که در بدو ظهور اعلام و رایات نصرت امرت را مرتفع
ساخته دوباره باهتر آید و از اخلاف رجالی چون
اسلاف مبعوث کردند که صیت آن قطعه نورا را در شرق

و غرب عالم مشتهر سازند این است دعای قلبی صمیمی
 مستمری این عبد از درگاه الهی و امیدم چنان است که
 در این لیلۀ هجران و ایام حرمان احباً و اماء الرّحمن چنان
 قیامی نمایند که عالم را باهتزاز آرند و روح بجسم مرده عالم
 دمند هیچ شبهه‌ای نبوده اگر همّت موفور در این سبیل
 مبذول گردد قوه قاهره روح الهی شامل حال آن مقربان
 و عزیزان حضرت عبدالبهاء گردد و امر الله چنان شعله‌ای زند
 که من فی الوجود را مدهوش و حیران نماید باید در این
 اوقات هر یک بواجبات و وظایف خویش در جزئیات و کلیات
 کما ینبغی و یلیق قیام نمائیم و بحکمت مذکوره در کتاب در اراضی
 طیبه قلوب تخم افشانی نمائیم و توکل و اعتماد باو نموده
 منتظر شمول الطاف گردیم و مترصد تحقق بشارات الهیه
 شویم و ملول و پژمرده نگردیم آنچه را مأموریم بجان و دل
 انجام دهیم و آنچه در سبیل الهی واقع گردد خیر محض
 و مروج مصالح امریه و از تقدیرات الهیه و حکمتهای بالغه
 احدیه شمیریم در الواح و آثار تمعن و تعمق نموده بکوشیم
 هر یک از آن نصایح مشفقانه را عامل شویم و بزینت کردار و رفتار
 در بین خلق مزین و ممتاز گردیم از درگاه محبوب ابهی
 و مقام مقدّس حضرت اعلی و مرقد مطهر حضرت عبدالبهاء
 روحی لاجبائهم الفداء در حق هر یک از آن برادران و خواهران

نورانی خود قلبی طافح از محبت الهی و قدمی ثابت در امر
 رحمانی و زبانی ناطق بآیات و اسرار ربّانی خواهم و صون
 و حمایتش را استدعا کنم تا بمنتهی آمال فائز گردید و در دو
 عالم مفتخر و معزز و منصور شوید.

بنده آستانش شوقی

بلبلان گلزار این بوستان الهی را ترنماتی بدیعه بر
 شاخسار ایمان و عرفان و ایقان از عتبه مقدّسه همواره سائل
 و مستدعیم و از آن شیفتگان جمال ابهی در ذکر و ثنای آن
 روی محبوب و جلوه مستور تغنیات و نعوت و اوصاف منیعه

متمنی و منتظر هر چند عواصف شدید جهان و جهانیانرا
سراسر احاطه نموده و غبار جنگ و ستیز آسمان عالم را تیره
و تاریک کرده و روایح کدره ضغینه و بغضاء مشام بنی نوع
بشر را از استشمام نفحات قدس که از مهّب عنایت جمال
ابهی در این عصر موعود در هبوب و مرور است ممنوع ساخته
ولی تا عالم امکان در نیران مصائب و بلایا نسوزد و دول و ملل
مشمئز از مکاید سیاسیّه و مقاصد سیئه خفیّه شان نگردند
و افراد بشر از هبوب این بادهای مسموم مخالف هوی و هوس
پشیمان و مأیوس نشود انوار ابدی از مشرق اینظهور کلی
الهی پرتوی بر عالم نیفکند و لب تشنگان عالمیان بکوثر عرفان

ص ۵۴

و ایمان واصل نگردند تا خسته و آزرده نگردند و متنفر از حال
پر وبال خویش نشوند و سرگشته و سرگردان آرزوی ساحل
نجات را نمایند علویّت این تعالیم و سموّ این کلمات
مقدّسه چهره نگشاید و قدر و منزلتش در انظار معلوم نشود
شبهه ای نیست که آنروز مبارک خواهد رسید که نفس مخربین
آئین و دین الهی و مروّجین عقائد سخیفه مادّیون عالم
خود قیام نمایند و این آشوب و فتن را بدست خویش خاموش
کرده بنیان بیدینی مفرطشان را از اساس براندازند و بجان
و دل بقوائی اشدّ و اکمل از قبل بتلافی مافات قیام نموده
خود را منضمّ به پیروان این امر مبارک نمایند و مروّج تعالیم
حضرت بهاء الله گردند ید غیبی الهی در تقلیب نفوس
و ارواح مشغولست و شبهه ای نیست که اگر یاران ثابت
و راسخ مانند و در نهایت تمکین و حکمت بوظائف خود قیام
نمایند اموری عجیبه از پس پرده حکمت الهی مشهود و عیان
گردد و جنود تأیید بقوائی ملکوتی و باسباب غیر منتظره
و در نقاطی مخصوصه نصرت امر قیوم را خواهند کرد و چشم
روحانیان را در تمام قطعات عالم روشن و منور خواهند نمود
ایام ایام خدمت و جانفشانیست تا از این نعمت کبری
و تاج موهبت عظمی در این یوم مبارک ممنوع و محروم نشویم
بنده آستانش شوقی

هو الله

یا احبّاء الله و اودّائه، الحمد لله که نامه آن برادران و خواهران روحانی که حکایت از روحانیت و اقدامات مجدّانه احبّای الهی مینمود بارض اقدس واصل گردید و از قرائتش فرح و سرور کلی حاصل امید چنانست که همواره مشام آن یاران با همّت و وفا از بشارات الهیه و عبور و مرور زائرین و مسافرین ارض مقصود و ملاقات و مؤانست مبلّغین و منادیان امر الله که از آن دیار گذر مینمایند معطر و معنبر باشد و ارواح و قلوبشان شاد و مستبشر در این جوار از آستان ملیک مختار آن جمع را ترقیّات معنویّه و تقدّم و پیشرفتی سریع در میدان وسیع امر الله خواهیم تا انشاء الله بهمّت اعضای محترمه محفل روحانی و معاونت و مساعدۀ قلبی یاران اساس محکم و متین نهاده بنیان رفیع مشرق الاذکار را در مستقبل ایّام در نهایت جلوه و شکوه مرتفع سازید حال وقت تأسیس است و ترویج تعالیم الهیه جبل مودّت و ائتلاف و یگانگی و اتّحاد را باید در بین یاران روز بروز بیشتر تقویت داد و بر تعاون و تعاضد افزود.

از جهتی افراد احبّا باید کمال انقیاد و اعتماد را باعضای محفل روحانی خویش داشته باشند و مساعدت و تأیید آن محفل را نمایند و از جهتی اعضای محفل باید شب و روز فکری

جز ترویج مصالح عمومیّه امریه و تعزیز امر الله و حفظ و صیانتش از شرّ اعداء نداشته باشند امیال و مصالح شخصیّه را فراموش نموده خود را خادمان و نماینده جمع احبّا دانند و آنچه را مصلحت امر الله و خیر عموم است مجری دارند امید چنان است که یاران انزلی این اساس الهی را محکم و استوار نموده بخدماتی فائق در سبیل امر الله موقّف گردند این است دعای این عبد و تمنّایش از درگاه حضرت عبدالبهاء از برای آن یاران جان نثار.

بنده آستانش شوقی

و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

"فی الحقیقه عالم بشر الیوم در قطعات خمسۀ ارض چنان
بیلای ناگهانی معدّب که شبه آن دیده عالم ندیده
و بر صفحه روزگار نگاشته نگشته دول و ملل و قبائل چه قوی و
چه ضعیف چه متمدّن و غیر متمدّن چه قدیم و چه جدید
چه منصور و چه مغلوب چه حاکم و چه محکوم چه سفید
و چه سیاه چه متدین و چه غافل کلّ از هر جنس و رتبه
و دیاری مورد قهر و سخط الهی و کلّ بیلایای گوناگون گرفتار
در سیل هلاک سالکند و از صراط نجات غافل اخیراً مصداق
قد اخذت الزلازل کلّ الجهات عیناً واضحاً مشهوداً ظاهر
گشته و در نقاط و مراکز متفرقه در تمام ارض علی الخصوص در عاصمه

ص ۵۷

و بنادر مهمّۀ متقدّمترین بلاد در اقصی ممالک شرق چنان
شقاوتی ظاهر نموده و علّت خسارت و زیان و تعاست
و وبالی گشته که اسباب دهشت و جزع و فرع اقالیم مجاوره
بلکه تمام عالم شده دول قاهره متقدّمۀ عالم بعضی
رو بشتت و تجزی و اضمحلال و برخی در کمال غرور مشغول
تهیۀ اسباب و لوازم انتقام و اکمال آلات و ادوات قتالند
تجارت و صناعت در کلّ اقالیم متوقف و فقر و احتیاج و علل و
امراض باتّمها و اکملها دچار اعزّه نفوس و هزاران از بندگان
بی گناه گشته نائرة فتنه و فساد و ضغینه و بغضاء در قلوب
و صدور دول و افراد مشتعل و شعله جهانسوزش یوماً فیوماً
در ازدیاد اکتشافات و اختراعات حدیثه کلّ بسبب این
روح فاسد که در جسم امکان نباض است ممدّ و مساعد و ظهیر
رؤساء و جنگجویان عالم و مخربین بنیان عالم انسانی گشته
حکومات در دام مکائد و دسائس عتیقه یکدیگر گرفتار رؤسا و
اولیای امور بیش از پیش در هدم بنیان تمدّن ساعی و جاهد
قوله تبارک و تعالی "نیر عدل مستور و آفتاب انصاف خلف
سحاب" عزّت و شوکت دین در انظار افراد و دول که از قبل
معروف و مشهور بتدین و تمسک بودند الیوم سقوط و هبوطی
عجیب یافته و مورد لطمات شدیدۀ گشته عالم طبیعت باشد

قوی الیوم بر خلق بیچاره مستولی غفلت از حقّ و خود پرستی

ص ۵۸

حرص و طمع هوی و هوس جور و جفا تقلید و تصنع و حریت
مفرطه در کمال شدت در نفوس از وضع و شریف استحکام
یافته و غالب و حاکم شده عالم کون تشنه و حیران، نفوس کور
و خسته و پریشان سرگردان و هراسان در آشوب و انقلابی
عظیم افتاده و بعدابی الیم معذب در این قرن اتمّ
و دور اعظم دست فعّالیت و ید مساعدت برگزیدگان جمال
قدم و فدائیان اسم اعظم روحی لرمسه الاطهر فدا لازم و واجب
تا بتدریج این ماهی تشنه لب بساحل نجات رسد و در
دریای فیض و سعادت و صلح و سلام الی الابد غوص و خوض
نماید. حال در این مهمه عظمی صوت خفیف الهی که از
حنجر این حزب مظلوم الیوم متصاعد است وقتی گوشزد جهان
و جهانیان گردد که بهائیان عالم طراً در شرق و غرب متّحداً
متّفقاً قدم را ثابت نمایند و بجدیّت و اهتمام و حرارت و انقطاع
اقتدا و تاسی بآن مولای وحید حضرت عبدالبهاء نموده در
سبیل تبلیغ مداومت کنند و استقامت نمایند حقائق بدیعه
امر الله را کاملاً تحصیل نموده بابدع بیان بسط و شرح دهند
و تبلیغ نمایند و در نهایت تجرّد و اصطبار و سکون منتظر
و مترصد نزول ملائکه تأیید از ساحت کبریا گردند چه که وعود
الهیّه عظیم است و صریح
بنده آستانش شوقی"

ص ۵۹

و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

"ترقی و عمران و نجات و استخلاص آن اقلیم منوط و مشروط
بتعمیم و اجرای تعالیم اساسیه امر الله است که محسن
اخلاق و مروج تربیت و مربی نفوس است نه اتخاذ وسائل
مادیه سیاسیّه و تمهیدات و اجراءات غیر متینه اقتصادیّه
و انشاء احکام و قوانین نظمیه یاران را چه مدخلیتی در این
امور مشوشه و اسباب خارجه ولی باید ملاحظه نمود و در نهایت

همّت کوشید تا زمامداران و اولیای امور تکدّری حاصل
نمایند و گمان نکنند که بهائیان تعلق بوطن خویش ندارند
تا اسباب فساد و غلغله و آشوب فراهم نگردد باید
در نهایت حکمت و ملاحظه و بردباری و روح و ریحان و محبّت
خالصه حقیقی با نفوس مدارا نمود و کلّ را از وضع و شریف
بر مبادی اولیّه حقیقی بهائیان اطلاع داد و آن خدمت
بنوع بشرو تربیت عالم انسانی و ترقّی مادّی و معنوی ایران و تعزیز ایرانیان است." و
نیز میفرمایند قوله الاحلی:

"راجع بشمایل مقدّس مبارک جمال ابهی روحی لرمسه الاطهر
فداء احبّ و اولی آنکه هر نفسی دارای چنین عکس مبارکی
باشد بواسطه محفل روحانی مرکزی طهران آنرا عاجلاً
بارض اقدس ارسال دارد تا تکلیف معلوم گردد و اگر چنانچه

ص ۶۰

نزد خود حفظ نماید باید بهیچوجه من الوجوه نسخه از روی
آن بر نداشته نسخه اصلیّه را ضبط نمایند و مکتوم دارند
ولی ارسالش بملاحظه و دقّت تام بارض مقصود احسن و اولی"
و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

"اگر فی الحقیقه بموجب احکام و تعالیم الهیه سالک و عامل
شویم و بنوع بشرو وطن خویش خدمت نمائیم عاقبت حقیقت
معلوم و مکشوف گردد و خود آن نفوس آگاه شوند و اقبال
نمایند معدّلك مگذارید گمان کنند که بهائیان تعلق بوطن
خویش ندارند بلکه براستی بدانند و یقین نمایند که از همه
بیشتر و از همه مخلصتر و از همه ثابت تر در احیای ایران
و تعزیز ایرانیان بوسائلی حقیقی میکوشند و مطمئنند که ایران
عاقبت عزیز و توانا خواهد شد بلکه بفرموده حضرت عبدالبهاء
(دولت وطنی جمال مبارک در جمیع بسیط زمین محترمترین
حکومات خواهد گشت و ایران معمورترین بقاع عالم خواهد
شد) برادران و خواهران روحانی، عالم بشر منتظر است
و قلب حضرت عبدالبهاء در ملکوت ابهی متمنی و شائق که
بهائیان تعالیم حضرت بهاء الله را از حیّز قول بحیّز عمل
رسانند این چه فرصت مبارکی است باید اقدام نمود و باب

معاشرت و مراوده را با تمام ملل و نحل باز کرد ایام گوشه نشینی و سکوت و خموشی گذشته باید از زاویه خمول در آئیم

ص ۶۱

و در میدان وسیع قدم گذاریم و مباشرت بعمل نمائیم مقصود این نیست که حکمت را فراموش نمائیم و پرده دری نمائیم و از حد اعتدال خارج گردیم و بمخالفت اصول و قوانین و رسوم دولت و ملت قیام کنیم حاشا که یاران الهی چنین نمایند بلکه مقصود این است که باعمال و افعال تبلیغ امر حضرت بهاء الله نمائیم تبلیغ باعمال حکمت قبول ننماید و تقیید و تحدیدی نداند کلّ از وضع و شریف و قدیم و جدید و پیر و جوان قابلیت و توانائی پیمودن این سبیل را داشته و دارند پس عذری از برای احدی نمانده هر نفسی که خود را بشیم و حلل تقدیس و تقوی و اخلاق مزین ندارد او بهائی حقیقی نه ولو اینکه باین اسم موسوم و موصوف و معروف و اگر نفسی امّی و جاهل و از تبلیغ بنطق و بیان قاصر و باعمال و سلوک و رفتارش علت انتباه و تذکر و اقبال یک نفس گردد البته مرجح و محترمتر و عزیزتر و بهتر از شخصی است که سالهای سال به تبشیر و تبلیغ لفظی پرداخته و شهرت و اهمّیت یافته ولی مشرب و اخلاقش مباین و مخالف کلام و قول او حسنات آن نفس عاقبت قلوب نفوسی را بنور ایمان کاملاً دائماً منور خواهد ساخت ولی سیئات این شخص بالأخره سبب شود که تمام مواعظش فراموش گردد بلکه بالعکس نتیجه بخشد و توجه و ایمان مبدل بیأس و سستی و بیدینی شود.

ص ۶۲

میل و رضا بلکه امر شدید حضرت عبدالبهاء در این است که بهائیان در جمیع امور حتی در جزئیات و معاملات یومیّه و روابط افراد با یکدیگر بحسب تعالیم الهی رفتار نمایند میفرمایند بخضوع و خشوع و افتادگی اکتفا ننمائید مظهر محویّت گردید و فنای محض شوید مهر و وفا و شفقت و محبّت نصایح پیشینیان بوده در این دور اعظم اهل بها بفداکاری

و جانفشانی مأمور عدالت محبوب و مطلوب بوده و هست
ولی مؤمنین و مؤمنات در این عصر نورانی باین امر مأمور
ضع ما ینفعک و خذ ما ینتفع به العباد لیس الفخر لمن
یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم ملاحظه فرمائید که
در الواح مقدّسه و کتب الهیّه و وصایای مبارکه احبّای الهی
بچه حدّی مأمور بپرهیزکاری و خیرخواهی و بردباری
و تقدیس و تنزیه و انقطاع از ما سوی الله و تجرّد از شئون دنیا
و اخلاق و صفات الهیّه هستند باید بهر نحوی که ممکن
است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیّت را خالص نمود
و الا اقدام بهیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد باید از تصنّع
و تقلید احتراز جست چه که رائقه منتته اش را هر عاقل
هوشمندی فوراً ادراک نماید باید اوقات مخصوصه تذکّر
و تنبّه و دعا و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فضل
و عنایت الهیّه موقّیّت و ترقّی و پیشرفت در امور مشکل بلکه

ص ۶۳

ممتنع و محال " انتهى

و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

" و اما آنچه راجع بترتیب و تمشیت امور روحانیّه احبّاست
همانا تقویت اساس محافل مقدّس روحانیست در تمام نقاط
چه که بر این اساس محکم متین در مستقبل ایّام بیت عدل
اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم
بر این اساس اقوم مرتفع شود نوایای مقدّسه الهیّه و حکم
و معانی کلیّه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه
الهامات غیبی حضرت بهاء الله ودیعه گذاشته بتدریج
ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید پس باید کوشید و همّت
نمود که تمهیدات لازمه میسر شود و اولین اسباب و اهمّ
وسائل همانا تقویت اساس محافل روحانی بوده امید و طید
چنان است که چون در یوم اوّل عید سعید رضوان انتخابات
محافل روحانی در تمام نقاط در شرق و غرب در نهایت
روحانیّت و متانت و جلال و کمال تجدید گردد و احبّا
من دون استعفا بدل و جان متّحداً اقدام نمایند نه نفر

اعضای منتخبه در هر نقطه‌ای قبل از مباشرت بانجام
وظائف مقدسه خویش رجوع بکلمات الهیه نمایند و در زیر
الواح مقدسه تفحص و تفرس نمایند و لوازم اصحاب شور و
واجبات امنای الهی و وظائف اعضای بیوت عدل الهی را

ص ۶۴

بنهایت دقت و توجه و فراغت بال مکرراً قرائت نموده اطلاع
تام حاصل نمایند و هر دم آن اوامر قطعی و نصایح مشفقانه
را بیاد آرند و بکوشند تا هر یک را کاملاً مجری نمایند
از جمله آنکه باید خود را خادم امین حقیقی احبباء الله
شمرند و نظر را متوجه و حصر در منافع عموم و مصالح امر الله
نمایند نه ناظر باشخاص و متمسک بمقاصد و مآرب شخصیّه
گردند باید رأی خود را در هر امری و در هر جلسه‌ای در
نهایت صداقت و روشنی و خیرخواهی و خضوع و خلوص ابداء
و اظهار دارند و آنچه را بعد از مشورت کامل و مذاکره تام
رأی اکثریت بر آن قرار گرفت بدل و جان بدون ادنی کدورت
و رنجش اجرا نمایند ولو آنکه رأی اکثریت مخالف واقع و عاری
از صواب باشد چه که این است حکم صریح محکم الهی
چگونه تجاوز و انحراف از این امر منصوص جائز و ایضاً
باید اعضای محفل در الفت و اتحاد یاران و عزت امر الله و
ترویج دین الله شب و روز بکوشند اگر چنانچه از جهتی
رائحه‌ای بوزد و آثار اغبرار و علامات اولیه مشکلی معلوم
و ظاهر شود باید فوراً اعضای محفل مجتمع گردند و در سدّ
این باب و جلوگیری از هر فساد و رفع و دفع آن بتمام قوی
بکوشند و مگذارند که ضرر و وهنی بر امر الله وارد گردد
ایضاً باید در تأسیس و ابقا و توسعه صندوق خیریه کوشید

ص ۶۵

تأسیس آن در هر نقطه‌ای لازم و باید یاران از اعضا
و غیر اعضا بقدر استطاعت خویش طوعاً نه کرهاً اعانه باین
صندوق نمایند و آنچه را تقدیم نمایند تسلیم امین صندوق
محفل کنند تا بصوابدید اعضای محفل روحانی در امور

خیریّه و ترویج امر الله صرف گردد معاونت اغیار از محتاجین و مساکین و ایتام و ارامل و عجزه و فقرا بسیار لازم و واجب چه که باین واسطه حقیقت اعظم تعالیم امر الهی که آن خدمت بعالم انسانیست اثبات شود و ظاهر گردد. و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

"امر تربیت از بنین و بنات این ایام از امور اساسیّه لازمه محسوب و این از وظائف اعضای محافل روحانیست که بمعاونت یاران در تأسیس مدارس محض تربیت بنین و بنات در امور روحانیّه و تعالیم اصول تبلیغ و تلاوت آیات و بینات و تحصیل تاریخ امر و علوم صوری و فنون متنوعه و تحصیل السن و لغات بکلّ قوی بکوشند تا اسلوب تربیت بهائی چنان صیّتش مشتهر گردد که اطفال از تمام طبقات در مدارس بهائیان تعالیم الهیّه و علوم مادّیّه را بیاموزند و باین واسطه اسباب ترویج امر الله را فراهم آرند امر ترقّی نساء و تشویق حضرات اماء الرّحمن در تحصیلات مادّی و معنوی و خدمت بامر الله و تعاون و تعاضدشان با حضرات رجال در تحکیم

ص ۶۶

و تقدّم امر الله در این دور اعظم عموماً و در این اوقات خصوصاً از امور اساسیّه محسوب ملاحظه فرمایند که در لوحی از الواح حضرت عبدالبهاء بافتخار امه‌ای از اماء رحمن چه میفرمایند: "ای ورقه طیّبه، همای اوج عزّت قدیمه بر سر اماء الرّحمن سایه افکننده و آفتاب افق توحید بر وجوه موقنات پرتو انداخته ربّات حجال ابطال میدان کمال گردیده و پرده‌نشینان خلوتگاه عفت پرده غفلت دریده و بسرمنزل هدایت رسیده و بانوار موهبت درخشیده و شهد عنایت چشیده و در سایه ربّ احدیّت آرمیده خوشا بحال ایشان" و از واجبات اولیّه محافل روحانی تهیّه و اجرای وسائل فعّاله از برای ترقّی امر نسوان است خوب است هر محفل روحانی لجنه مخصوصی تشکیل دهد و اعضای آن لجنه شب و روز در تشویق و تحریص و تعزیز و تکریم حضرات اماء الرّحمن و تعلیم بنات و اکمال و توسعه محافل و مجالس

نساء و معاونت آنان با رجال در خدمات امریه و تحکیم اساس محافل روحانی دائماً اوقات و افکار را حصر نمایند و این عبد امیدوار است که در ایام رضوان چون انتخابات محافل روحانی تجدید گردد حضرات نساء که بر مجاری امور مطلعند در انتخاب اعضاء شریک رجال گردند و آنانکه

ص ۶۷

هنوز کما ینبغی و یلیق اطلاعی کافی حاصل ننموده بتمام قوی بکوشند تا کسب استعداد و اطلاع نموده بمرور ایام چون امر حجاب بتدریج و بحسب حکمت الهیه تخفیف یابد و از میان رود نساء و رجال هر دو در انتخاب و عضویت محافل روحانی شریک و سهیم و معاون یکدیگر گردند همچو یوم فیروز مبارکی خواهد رسید و اماء الرحمن در انجمن یاران ظهور و بروزی عجیب نمایند حال وقت تهیه اسبابست و ایام ترقی نساء در کمالات صوری و معنوی مطمئن باشید که آنچه از قلم اعلی ثبت شده و از کلک میثاق نازل گشته حوادث زمان و شئون امکان و اجراءات و اقدامات رجال ارض بنحوی غیر مستقیم و مسائل مکنونه غیبیه ای را متدرجاً محض اجرای نصوص الهیه چنان فراهم آرند که جمیع مبهوت و متعجب و متذکر گردیم وقت اطمینان است و یوم یوم همّت و جانفشانی باید باعمال پسندیده اوامر الهیه را اجرا نمائیم و توکل بحق کنیم تا آنچه را اراده فرموده من دون تأخیر تحقق یابد." و نیز میفرمایند قوله الاحلی:

"و از جمله علائم نصرت و غلبه سریع امر الله خطابهای متتابعه مؤثره متعالیه آن ملکه نیک اختر است که اوصاف و نعوتش از قبل در نامه های اینعبد و متحد المآلهای محافل روحانیه مشروحاً مبسوطاً مذکور و مثبت گشته ملاحظه نمائید

ص ۶۸

و در مضمون سه اعلان مهیجش تدقیق و تفرس کنید و با یکدیگر مقابله و موازنه نمائید تا معلوم و واضح گردد که بچه اسلوبی بدیع و شور و شعفی شدید و جرأتی عجیب

و بیانی بلیغ و ملیح آن ملکهٔ زمان حقیقت اصلیه که در کنه شریعت جدیده سماویّه و ظهور کلیّه الهیه مندمج و مکنون است متدرّجاً بر ابصار مکشوف ساخته و تفهیم و تلفیق نموده و اثبات فرموده در اعلان اوّل خطابش بجمهور ناس از تمام طبقاتست و در آن حضرت بهاءالله را مربّی و معلّم عظیم عالم انسانی و مؤسس الفت بین ملل عالم و مروج حسن تفاهم بین نوع بشر دانسته و در خاتمهٔ آن عموم را بابدع الفاظ و ارقّ عبارات و الطّف اشارات تشویق و تحریص بر تحقیق و تعمّق در این تعالیم نموده که ایّها النّاس اگر نام بهاءالله یا عبدالبهاء بسمع شما رسد از آثارشان غفلت منمائید و رو بر مگردانید تا کلمات عالیات صلح پرور محبت انگیزشان در دل و جان خود چنانچه در قلب من جای گرفته جای دهید و در اعلان دیگر بنحویّ اخصّ توجّهش بدانشمندان ارض از حکما و فضلا و فلاسفه و اصحاب علوم و فنون است و در ضمن استشهاد و استدلال از نصّ کلمات مرکز عهد و میثاق در تبیین و اثبات مبدأ و مقصد اصلی خلقت و وجود و کیفیت و بقای روح و مقام و منزلت انسان مینماید تا ارباب

ص ۶۹

علم و کمال از الهیّون و مادّیّون در کلّ اقطار اذعان نمایند و یقین کنند که در این مطلب و موضوع که اعلی و اشرف مطالب و مسائل است بیانات مقنعهٔ منیعّهٔ جلیله ای از حضرت عبدالبهاء موجود و محفوظ که اولی الالباب را فصل الخطابست و میزان کامل و حجّت قاطعه نزد اهل شک و ارتیاب و خود در ختام مؤیداً للقول باین شهادت احلی ناطق که "این است توضیحات حضرت عبدالبهاء و این اعظم و اتمّ بیانست مقنع که مثل و مانند آنرا تا کنون مشاهده ننموده ام" و اما در اعلان ثالث رو باهل یقین و اعتقاد نموده و پیروان مظاهر ظهور مقدّسهٔ قبل را مخاطب ساخته و آنچه در هویت قلب مکنون و مخزون بوده بر ملا فاش نموده و عقیدهٔ باطنی خویش را جهراً و علانیة ابراز و اظهار داشته و بر حقیقت ظهور حضرت بهاءالله روحی لسلطنته الفداء علی رؤوس الاشهاد اقرار و

اعتراف کرده که ای پیروان ادیان الهیه و شرایع سابقه
ذات کبریا مقدس از عرفان مخلوقات است و مافوق ادراک بشر
حقیقتی است مجرد کیفیتی است مافوق تصور و عقول و ادراکات
بشر منبع نشاط است و مبدأ کمالات نامتناهی مصدر
سطوت و اقتدار است و سرچشمه حب و ارتقا آن ندائی است
که در کینونتمان خیر را از شر تمیز دهد ولی اکثرمان از آن
غافلیم و بسوء تفاهمات گرفتار لذا آن قوه کلّیه که اصل

ص ۷۰

کلّ الاشیاست اصفیاء خویش را برانگیخت تا کلمه الله
را در بین نفوس انسانی تبیین نمایند لذا انبیا را مبعوث
فرمود اینست که حضرت مسیح و حضرت محمد و حضرت
بهاء الله کشف نقاب نمودند و ندای الهی را در قالب
عنصری مجسم فرمودند تا کلّ بتقرّب الهی فائز گردیم
و باذان ترابی آن ندا را اجابت نمائیم و پی بحقیقتش بریم
ملاحظه نمائید که این برگزیده مالک الملوک باقرار و اعتراف
حقیقت امر جمال موعود و استقلال شرع مبین و سر مشهود
اکتفا ننمود بلکه بواسطه مطالعه و تدبیر و تفرّس در خطابه‌های
گهربار حضرت عبدالبهاء که در صوامع و معابد مسیحیان در
بلدان غرب از فم میثاق صادر گشته برسات حضرت رسول
اکرم نیز مقرّر و مدّعن گشته و آنحضرت را در صف اول انبیای
الهی و شارعین شرائع سماویه خوانده همچو شهادتی
داده که شایسته آن است عالم اسلام بالتّمّام و علمای عظام
بالاجماع بآن برگزیده ملیک علام افتخار کنند و مباهات نمایند
که باثر کلمات عالیات آن مقلّب القلوب حضرت عبدالبهاء
چنان ملکه جلیل الشّانی حضرت ختمی مآب را چون مسیح
جلیل در عداد انبیاء مرسلین اولو القدر نوشته بلکه انصاف
این است که امت اسلام و ملوک اسلام علی الخصوص علمای
ایران که بتمام قوی بر قلع و قمع این فئه مظلومه که یگانه مایه

ص ۷۱

افتخار و سعادت و نجات وطن آنان است قیام نموده اند

بلسان واحد شهادت دهند که از برکت و میمنت ظهور
 حضرت بهاء الله و خلاقیت کلمات عالیاتش و حجج باهره
 قاطعه صادره از فم مرکز عهد و میثاقش حضرت عبدالبهاء
 در اثبات مقام حضرت سید المرسلین محبت و حقانیت آن
 رسول اکرم در قلوب و ارکان رؤسای دول و امم از ملوک و حکام
 و دانشمندان جهان جای گرفته و تمکن و استقرار یافته
 شاید عبرت گیرند و تزییقات حالیه را اندکی تخفیف دهند
 و حکم منع دخول و تعمیم کتب و صحف امریه ای که کنوز و
 خزاین این دُرر ثمینه و حجج قاطعه جلیه در اثبات
 شریعت محمدیه است مرتفع سازند اکشف عن ابصارهم
 یا الهنا غشاوة الغلّ و البغضاء یا سمیع الدعاء و الحاکم
 علی ما تشاء و از قرار بیان نامه محفل مجلل روحانی مرکزی
 امریک مجموعه جراید و مجلات خارجه که این سه پیام
 گرانها را که فی الحقیقه سرمشقی است از برای عموم مبلغین
 و مبلغات طبع نموده و چون برق خاطر در انحاء معمور
 انتشار داده عدداً از ده ملیون متجاوز بوده تعالی تعالی
 مبدع هذا الامر الابدع النافذ المبرم الخطیر.
 و از جمله نامه خصوصی آن ملکه عالیمقام است که بخط خویش
 باین عبد مرقوم نموده و عباراتی دلنشین و کلماتی چون

ص ۷۲

شهد شیرین اظهار ما فی الضمیر فرموده اسرار لدنی در آن
 رساله منطبع و انوار شناسائی از آن منعکس رائحه عبودیت
 کبری از مضمونش متضوع و آثار خلق جدید از فحوای آن
 ظاهر و باهر از جمله میفرمایند "حقاً که پیام حضرت
 بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نورانیتی عظیم در من احداث
 نموده و این بشارت چون بشارات عظیمه وقتی بمن رسید که
 حزن و المی شدید و اضطراب و انقلاب باطنی و پریشانی
 خاطر گرفتار بودم لذا چون تخم پاک در ارض دل تمکنی تام
 یافت کوچکترین صبیّه من نیز تقویت روح و تسلیت خاطر
 موفوری از تعالیم این دو مولای محبوب احساس مینماید
 او و من هر دو این پیام را از فم بومی میرسانیم و بهر نفسی

که ابلاغ میگردد فی الفور سطوع انوار در وجهش لامع و نمایان گردد و مشاکل معضله اش حلّ و معلوم شود و افکار مظلّمه اش مبدّل بنورانیّت و امیدواری بی مثل گردد مرقوم نموده بودید که اعلان عمومی من مرهم زخم ستمدیدگان این امر بود این چه سعادت عظمی ایست از برای من و همین را علامت مقبولیّت این تقدیمی زهید را در ساحت کبریا دانم

محرک روحی آن قوّة قدسیّه چنان مرا اسیر و مجذوب نمود که این تقدّم و ابراز را مقاومت نتوانم بکمال خضوع و انکسار من نیز یقین نمایم که آلت دست پروردگارم و از این یقین

ص ۷۳

مستبشر و شادمانم "مضمون نامه ای را که یکی از اماء الرّحمن امریک در ساحل محیط آتلانتیک بآن مقتدای مبلغین و مبلغات امة الله المحترمه الفریدة الشهیره حضرت مارثا روت روحی لقیامها الفداء نگاشته حکایت نماید که در اثنای سفر و سیاحت آن ملکه در آن سامان در ولیمه ای از ولائم حاضر گشته و هیئت منتخبه ای از یار و اغیار پذیرائی و مهمان نوازی قائم و مشغول خانمی از اماء الرّحمن بانضمام وسام رسمی که هر یک از اعضای منتخبه بر سینه خویش زده بودند صدر خویش را بنشان بدیع لمیع اسم اعظم مطرّز و مزین نموده بود چون نظر ملکه بآن وسام الهی افتاد آن خانم محترمه بچشمهای آن ملکه نظر انداخته ندای الله ابهی برآورد و چون این ندا بسمع ملکه رسید قدم برداشته و از صف زدگان پیش افتاده دو دست آن امة مؤمنه منجذبه را در دو دست خود گذاشته در مقابل حضار من دون تردّد و توقّف الله ابهی جواب میگوید بشأنیکه بر آن موقنه مستبشره ثابت و مبرهن میگردد که بچه حدی مجذوب و مفتون و دل باختّه این امر عظیم گشته این است سطوت امر بها اینست قوّة نافذة شریعت الله تبارک الله ربّ الكرّسی الرّفیع و موجد هذا الامر البدیع و محدث هذا النور اللّمیع قد خضعت له اعناق الملوک و خشعت له اصوات المملوک فسبحان ربّنا المشرق

النَّاصِرِ الْمُتَعَالَى الْإِبْهِيِّ . اى برادران و خواهران روحانى ،
 بلوح رئيس كه از فم مشيت علام الغيوب نازل گشته رجوع
 نمايد و بشكرانه مواهب و عطايای حضرت ذوالجلال پردازيد
 و بكمال تذلل و انكسار و تبتل و ابتهال بدرگاه مليك مختار
 تضرع و زارى نمايد كه آنچه از قلم اعلى نازل گشته زودتر
 جلوه گر گردد قوله الابدع الاحلى قد اشتعل العالم
 من كلمة ربك الابهي و انها ارق من نسيم الصبا قد
 ظهرت على هيئة الانسان و بها احى الله عباده المقبلين ...
 يا رئيس ... بما فعلت زاد لهيها و اشتعالها سوف
 يحيط الارض و من عليها كذلك قضى الامر و لا يقوم معه حكم
 من فى السموات و الارضين زحف الناس حول البيت
 و بكى علينا الاسلام و النصارى و ارتفع نحيب البكاء بين الارض
 و السماء بما اكتسبت ايدى الظالمين ... انا وجدنا ملأ
 الابن اشد بكاء من ملل اخرى و فى ذلك آيات للمتفكرين
 قد خرج الغلام من هذه الديار و اودع تحت كل شجر و حجر
 وديعة سوف يخرجها الله بالحق كذلك اتى الحق و قضى
 الامر من مدبر حكيم ... سوف يبعث الله من الملوک من
 يعين اوليائه انه على كل شىء محيط و يلقى فى القلوب
 حب اوليائه و هذا حتم من لدن عزيز جميل اى برادران
 و خواهران روحانى ، تفكر نمايد و در آثار الهية تمعن و تفرس كنيد

قريب پنجاه سال است كه شارع قدير و رب خبير و بصير از فم
 مطهر چون غيث هاطل الواح نصحيه و انذارات شديده
 و بشارات لميعه و خطابات قهريه مخاطباً للملوک و السلاطين
 فى مشارق الارض و مغاربها نازل فرموده و هنوز اولين قرن
 بهائى بانتهى نرسیده و دوره اولى اكمال نگشته كه ملاحظه
 ميگردد چگونه انصار و علمداران حزب مظلوم بتأييد و هداية
 من لدنه در قطعات خمسه بفتح مدائن قلوب مشغولند
 و در عواصم بلاد راقيه در دو قاره اروپا و امريك گروه مجاهدين
 و حاملين پيام امين نعره زنان و هلله گويان مقامات عاليه

را احاطه نموده‌اند و در پیشگاه سریر شهیاران و تاجداران حاضر گشته‌اند و بمقابله و مکالمه و مبارزه با عظمای امم مشغول و بدست خویش الواح الهیه و زیر قیّمه را بآنان سپرده‌اند من بعد چون اجل معلوم در رسد نفس این سلاطین و رؤساء جمهور خود اقتداء باین نصرت دهندگان امر الهی نمایند و پا بمیدان گذارند و تاج سلطنت فانیه را بر خاک اندازند و اکیلل مرصع عبودیت صرفه محضه بحته را بر سر نهاده و در صف اول مبلّغین در آمده باموالهم و ارواحهم و ما وهبهم ربهم بتبشیر و نصرت پردازند و بعد از اتمام دوره خدمات باین اراضی مقدسه شتابند و خاضعاً خاشعاً متذللاً منکسراً طواف مقامات مقدسه کنند و صوت

ص ۷۶

تهلیل و تسبیح و تمجید را بعنان آسمان رسانند و بزرگواری این امر عظیم را بر جهان و جهانیان مکشوف و مبرهن سازند و انّ هذا الوعد محتوم قد رفع الله عنه حکم البداء و زینّه بطراز الاثبات فی لوح حفیظ هل یحسبنّ الذین ارادوا اطفاء نور البهاء بانّ افول کوکب الميثاق فرق جمعنا و شتت شملنا و اضاع آماننا لا وربّ الآفاق انه حیّ فی الملاء الاعلی و سوف یرون المستهزئون یوم النصر باعینهم و یسمعون الصیحه باذانهم یومئذ ترجف اركانهم و تقشعر جلودهم و یرون انفسهم فی اسف عظیم و از جمله بشائر اولیّه و علائم فرحبخش غلبه و اعلان امر الله و استعلا و استقلال دین الله و استخلاص و انفصال شریعه الله از سنن و شرائع متبوعه سابقه قرار نهائی و اعلام صریح رسمی محکمه شرعیّه قطر مصر است که بعد از تفحص تام و تحرّی و تجسس کامل و مباحثات و مناقشات و تدقیقات متینه باطلاع و تصویب حکام و رؤسای شرع انور صادر گشته و رسماً ابلاغ گردیده و طبع و انتشار یافته هر چند این حکم محکمه شرعیّه پیروان شریعت حضرت بهاء الله را از ملحدین و مرتدین شمرده و از کفار انگاشته و خارج از ظلّ شریعت محمّدیه دانسته و حکم فسخ عقد زواج ما بین طرفین از بهائی و غیر بهائی صادر نموده ولی بصریح

مقتبسه از کتاب اقدس و کتاب عهد و کتاب ایقان و سوره هیکل و هفت وادی و الواح شتی که در نص آن حکم مسطور و مندرج است شهادت داده و اقرار و اعتراف نموده که آئین بهائی دینی است جدید و مستقل و دارای احکام و سنن و قواعد و اصول مخصوصه از جمله این فقراتست که از نص حکم استخراج گشته "من جمیع ما تقدّم یثبت قطعاً أنّ البهائیة دین جدید قائم بذاته له عقائد و اصول و احکام خاصّه تغایر و تناقض عقائد و اصول و احکام الدین الاسلامی تناقضاً تاماً فلا یقال للبهائی مسلم ولا العکس کما لا یقال بوذی او برهمی او مسیحی مثلاً مسلم ولا العکس للتناقض فیما ذکر" و در خاتمه تأییداً للقول و اثباتاً للحکم این تأکید و تصریح و تحذیر اخیراً نموده "و من تاب و آمن و صدق بکلّ ما جاء به سیدنا محمّد رسول الله صلی الله علیه و سلّم عن الله تعالی و علم مجیئه ضروره و عاد الی الدین الاسلامی الکریم عوده صحیحه فی نظر الاسلام و المسلمین حقّاً لا فی نظر الادعیاء المبطلین الذین یخادعون الله و الذین آمنو و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون و سلّم بان سیدنا محمّد بن عبد الله بن عبد المطلب هو خاتم النبیین والمرسلین لا دین بعد دینه و لا شرع ینسخ شرعه و أنّ القرآن هو آخر کتب الله و وحیه لانبیائه و رسله و أنّ معانیه الصحیحه هی ما دلّت علیه مفرداته و اسالیبه

العربیة قبل منه ذلك و جاز تجدید عقد زواجه و من یتبع غیرالاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین" هر چند نظر بحکم فصل و تفریق که رؤسای شرع اسلام بصرافت طبع رسماً و علناً صادر نموده اند و پرده ستر را خود از وجه حقایق و رموز و اسرار امریه برداشته اند پیروان اسم اعظم که مقیم و ساکن ممالک اسلامیّه اند بمرور ایام دوچار فشار و تضییقات گوناگون و شدائد و صدمات و نامالایمات متنوعه

مختلفه کردند و در معاملات دنیویّه و کسب امور ظاهره و علاقات
شخصیّه در زحمت و تعب افتند و برنج و محنت و خسارت مبتلا
گردند ولی بیقین مبین بدانند که این رنج و تعب در سبیل
استخلاص و استعلا و استقلال این امر نازنین است و هرگونه
تزییف و تحقیری در این سبیل در بساط ملاً اعلی مایه عزّت
ابدیّه و اکلیل سعادت سرمدیّه است خوشا بحال نفوسیکه
باین عطیّه کبری و منحه عظمی و شرف اعلی و مقام اسنی در این
کور بدیع موفق و مفتخر گردند حال دشمنان دیرین خود
اولین قدم را تمهیداً و تسریعاً لکشف اسرار هذا الامر و
استعلا و استقلاله برداشته اند و این اعلان را نموده اند
و چنان شهرتی داده اند که بالمآل خود پشیمان گردند
گمان نرود که چون امر الله سطوت و قوتی یابد و شهرتی نماید
و مقاصد و حقائق و اصولش معلومتر و مشهودتر و مکشوف تر گردد

ص ۷۹

آزار و بلیات وارده و بلائی سابقه بساطش منظوی گردد
و اعتراضات باطله و تعدیات شدید خاتمه یابد بالواح
مبارکه حضرت عبدالبهاء توجه نماید و باشارات و دلالتش
پی برید سی سال قبل از ظلمت و تنگنای سجن اعظم صریر قلم
میثاق مرتفع و از کلک شرربارش این آیات باهرات نازل:
"امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم
شدید است شدید عنقریب نعره قبائل افریک و امریک و فریاد
فرنگ و تاجیک و ناله هند و امت چین از دور و نزدیک بلند شود
و کلّ بجمیع قوی بمقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتأییدی
از ملکوت ابهی بقوت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان جند
هنا لک مهزوم من الاحزاب را ثابت و آشکار کنند" در اوراق
اخبار و صفحات جرائد بر مصر و فلسطین و بریه الشام از طوائف
و اقوام و مذاهب مختلفه متخاصمه متنازعه و لوله و گفتگو در میان
و مناقشات و مباحثات مستمرّ و در ازدیاد بعضی بهائیانرا
مرتد و ملحد دانند و برخی از مذاهب امت اسلام شمرند
گروهی حزب مصلحین و متجددین گویند و جمعی مؤسّسین
دینی مستقل و شریعتی جدید و مدنیّتی جهانگیر خوانند

ولی کلّ غافل از آنکه ید غیبی در کار است و سائق تقدیر
بانواع وسائل و اسباب فتنه مظلومه را از گردابهای بلایا
ورزایا و حوادث و انقلابات مستمرّه عاقبه الامر نجات و

ص ۸۰

استخلاص دهد و بسرمنزل مقصود که علویّت و غلبه و استقلال
ظاهره است رساند حال وقت آن است که یاران صمیمی
مخلص پروفا و متمسّکین بعروة الوثقی ایقان و ایمان بکمال
تعلّق و شهامت و ثبات و متانت و فرزانگی و رزانت و انقطاع
و خلوص نیّت با قلبی فارغ از شهوات نفسیّه و تعلّقات و تمایلات
مذهبیّه و صدوری ممرّد از حماست و حمیّت جاهلیّه و تعصّبات
فارغه و ذیلی مقدّس از رسوم و اوهام و عادات و تقلید شرائع
و مذاهب مطویّه منسوخه و افکار واهیّه بالیه عتیقه خود را از قیود
عالم قدیم رهائی دهند و شریعت این یوم موعود را جلوه دهند
و نصرت نمایند در صراط مستقیم که منهج اعتدال است
و شاهراه عزّت و سعادت بیزوال سالک و متحرک گردند و در
ممالک آزاد بتمام قوی بشریعت منزله از سماء اراده مالک البریه
متمسّک گردند و نظر را منحصر در آن نمایند و سنن و احکام و
قواعد کتاب مستطاب اقدس را بقدر وسع و مقدور اجرا نمایند
از تظاهر و تقلید و مداهنه و تقیّه بپرهیزند و در تشریح و تنفیذ
اصول آئین امریها و اثبات استقلال و استغنائی شریعه الله
و تبیین قدر و منزلت و تقدیس و تنزیه امر حضرت ذوالجلال کتباً
و قولاً و عملاً جهد بلیغ و سعی متمادی مبذول دارند ..."

انتهی